



امروز کتابخوانی و علم آموزی نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است. از همه بیشتر، جوانان و نوجوانان، باید احساس وظیفه کنند.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

پیام به مناسبت آغاز هفته کتاب ۱۳۷۲/۱۰/۴

استاذ دوست

نگرشی بر آثار و آداب زیارت
علی کریمی جهرمی

سرشناستنامه: کریمی جهرمی، علی، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور: آستان دوست/ علی کریمی؛ تهیه و تدوین اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر: مشهد: قدس رضوی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص؛ ۱۷*۱۲ س م.
شابک: ۰-۲۴-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸
یادداشت: فیبا
موضوع: علی بن موسی الرضا(ع)، امام هشتم، ۱۵۳-۲۰۳ق، آرامگاه - زیارت.
موضوع: زیارت - آداب و رسوم .
موضوع: زیارتنامه ها .
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، اداره امور فرهنگی .
رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ۵/۴/۵ BP/۲۶۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶
شماره کتابخانه ملی: ۱۵۱۲۵۲۹



آستان دوست

نویسنده: علی کریمی جهرمی

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

مدیر هنری و طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرای: محمود بازدار

نوبت چاپ: پنجم - ۱۳۹۱

شمارگان: ۴۰۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۰-۲۴-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی اداره امور فرهنگی تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

- ۷ / مقدمه
- ۱۰ / پیشگفتار
- ۱۵ / بخش اول / مفهوم و حقیقت زیارت و اقسام آن
- ۱۶ / معنی و مفهوم زیارت
- ۱۷ / زیارت احياء
- ۱۸ / زیارت گذشتگان
- ۲۱ / زیارت قبور علما و بزرگان
- ۲۴ / زیارت مقابر شهیدان
- ۲۷ / زیارت امامزادگان والا مقام
- ۲۹ / حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
- ۳۱ / حضرت عبدالعظیم حسنی سلام الله علیه
- ۳۳ / سید امیر احمد بن موسی الکاظم (شاه چراغ) علیه السلام مدفون در شیراز
- ۳۷ / حضرت سید امیر محمد عابد
- ۳۹ / زیارت معصومین و امامان اهل بیت علیهم السلام
- ۴۱ / فصل دوم / نقش زیارت و آثار و برکات آن
- ۴۲ / مصداق بارز آیه مؤدّت، زیارت امامان است
- ۴۴ / زیارت امامان یا وفاداری به پیمان امامت
- ۴۵ / زیارت یا اقتدا به معصومین پاک
- ۴۹ / زیارت، عامل آشنایی بیشتر و عمیق تر با امامان
- ۵۱ / زیارت امامان و آشنایی با مکتب
- ۵۵ / ثواب زیارت هر یک از امامان علیهم السلام
- ۵۶ / زیارت امام حسین علیه السلام
- ۵۸ / زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

- ۶۱ / بخش سوم / عنایات و کرامات حضرت رضا علیه السلام
- ۶۹ / بخش چهارم / آداب و شرایط زائر و زیارت
- ۷۰ / آداب زیارت
- ۸۹ / دیگر آداب مهم برای زائر
- ۹۹ / بخش پنجم / زیارتی مختصر و پربار از حضرت رضا علیه السلام
- ۱۰۴ / دعا و نیایش زائر
- ۱۰۵ / فهرست منابع
- ۱۰۷ / فهرست آثار چاپ شده مؤلف

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام گنجوران دانش اند. رودها و جویبارهای دانش که مزرعه ی جان انسان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته است، از بلندای قامت آسمانی این کوه نور، سرچشمه می گیرد. امام عالمان و عارفان علی علیه السلام فرمود: «ینحدر عنی السیل و لا یرقی الی الطیر» آبادانی و شادابی دیار علم و آگاهی؛ از تلالو فروزنده ی دانش این خاندان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها».

دانش اهل بیت علیهم السلام از جنس دریافتنی است نه آموختنی، علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت است که آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت علی علیه السلام در وصف عارفان (که خود آن حضرت مولای آنان است) فرمود: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشروا روح الیقین».

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سرسلسله ی این خاندان نور و روشنایی، هر چند که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته بود، اما پیام و رسالت او، تلاوت و خواندن، آموختن و فرا گرفتن و علم و آگاهی بود. رسالت او با «اقرء» آغاز شد و با دانش و بینش که جان های شیفته را سرشار می کرد، تداوم یافت. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه».

او با رسالت خویش، جان های مرده را از مرداب روزمرگی و ضلالت ها تا باغستان بهشتی حیات و زندگی، رهنمون شد و انسان اسیر در کژراهه ها و پرت گاه های تباهی را به شاهراه



هدایت و صراط مستقیم فرا خواند و در تن مرده‌ی آدمیت روحی دوباره دمید: «اذا دعاکم لما یحییکم» و بار گران جهل و نادانی را از دوش آنان فرو نهاد «یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی الی کانت علیهم».

و خاندان آن حضرت نیز که از چشمه‌ی حیات او سیراب بودند؛ همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره‌مندی از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصر جاهلیت مدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال جوی را فرو می‌نشانند و راه او را می‌تواند روشن کند بهره‌گیری و بازگشت به سرچشمه‌ی همان دانش و بصیرتی است که پیامبر اعظم و خاندان پاک و مطهر او علیهم‌السلام به انسان هدیه کردند و شاید امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت و آگاهی برای بشریت به ارمغان آورده نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشمه‌های نور اهل بیت علیهم‌السلام و بازخوانی سیره و آموزه‌های آن بزرگواران در روزگار ما- مانند همه‌ی روزگاران- خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که فراتر از آن، خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسانی که دل آنان برای انسان می‌تپد فرض است که با ژرف‌اندیشی و ژرف‌کاوی در معارف اهل بیت علیهم‌السلام گوهرهای ناب و آموزه‌های رهایی‌بخش این گنجینه‌ی عظیم و الهی را استخراج کنند و به بشر تشنه و جگر سوخته‌ی عصر حاضر ارائه نمایند.

بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای



تمامی رهروان این راه و تمامی کسانی که در مسیر احیای امر اهل بیت علیهم السلام و تعلیم و تعلم معارف و علوم این خاندان مطهر تلاش و کوشش می کنند به ویژه اساتید بزرگوار و گرانمایه‌ای که در تالیف و تنظیم این مجموعه‌ی ارزشمند نقش داشته اند طلب سلامتی و بهروزی می‌کنیم و توفیق آنان را از درگاه حیّ علیم خواستاریم.

از زایران عزیز نیز می‌خواهیم نعمت بی‌ظنیر زیارت پاره‌ی تن رسول الله صلی الله علیه و آله را با بهره‌گیری از اندیشه، کلام و سیره‌ی آن امام همام به فرصتی برای تامین نیازهای معنوی و فکری خود تبدیل نمایند و با مطالعه‌ی آثار ارزشمندی مانند این مجموعه، توشه‌های سعادت و کمال را برای دنیا و آخرت خود بگیرند و خدمتگزاران خود، در این آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.



پیشگفتار



یکی از مراسم عبادی مهم و کارآمد که در جوامع اسلامی به صورت اجمالی و در جوامع شیعی خصوصاً به صورت گسترده رایج و دایر است موضوع زیارت است زیارت کعبه مقدسه و بیت الله الحرام برای قاطعه مسلمین در همه جای جهان از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده و وجوب آن با شرایط خاص از ضروریات دین به شمار می آید و امت اسلامی یعنی طوایف مختلف و مذاهب چهارگانه ی اهل سنت و نیز جامعه ی شیعه سخت بدان پای بندند.

زیارت مرقد مطهر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ هر چند واجب نیست بلکه از مستحبات به شمار می آید ولی نزد امت اسلامی جایگاهی رفیع و با عظمت دارد به طوری که عملاً (و نه اعتقاداً) همانند زیارت بیت الله الحرام است. زیارت قبور مطهر امامان شیعه (علیهم السلام)، برای گروه هایی از اهل سنت عملی مقدس است اینان در مراسم زیارت قبور مقدس ائمه (علیهم السلام) حضور می یابند در این میان به استثنای یک طایفه ی متعصب و بی منطق - که دست نشانده ی اجانب و دشمنان اسلام اند و هر عملی طبق اندیشه جاهلانه آنان نباشد شرک قلمداد می شود و خصوصاً از تکفیر کردن انسان های بی گناه و صدور حکم قتل و ریختن خون پاک آنان لذت می برند - طوایف دیگر آنها مخالفتی ندارند بلکه گاهی این زیارت را موجب اجر و ثواب می دانند و خود نیز به زیارت امامان بزرگوار از خاندان پیامبر اسلام می شتابند و احیاناً حوایج خود را در آن مهابط رحمت از خدا درخواست می کنند.

ولیکن شیعه که دنباله و قرآن کریم و مفاهیم عالیه ی اسلام ناب



است و در خط پیغمبر و اوصیاء او یعنی ائمه اهل البیت علیهم السلام حرکت می‌کند زیارت قبور منور آن عزیزان خدا را عبادتی بزرگ، ارزشمند و جامع خیرات دنیا و آخرت می‌داند و چنان بدان اهتمام می‌ورزد که حتی در سخت‌ترین شرایط و بحرانی‌ترین وضع، آن را ترک نمی‌کند؛ بهای سخت و غرامت شدید آن را می‌پردازد ولی این مراسم شکوهمند را از دست نمی‌دهد و گواه زنده این مدّعی قربانیان بی‌شماری است که شیعه در نجف، کربلا و کاظمین داده است و گاهی زنان و کودکان شیرخوار و پیران کهنسال آنان به دست جنایتکاران قتل عام شده و می‌شوند ولی مراسم زیارت آن قبور پاک تعطیل نمی‌گردد و این یکی از عوامل پیشروی و نفوذ شیعه در جهان است.

مشهد الرضا علیه السلام در هر شب و روز به ویژه در ایام و مناسبات مخصوص ناظر جمعیت‌های بی‌شمار و افزون از حساب است؛ گاهی اجتماعات چند صد هزار نفری و گاهی جمعیت میلیونی و احیاناً چند میلیونی در آن بازگاه قدسی و با عظمت حضور می‌یابند. امروز مشهد مقدس و مضجع و مرقد مطهر حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام مظهر عظمت خاندان پیغمبر گردیده و جلال و نفوذ بی‌نظیر و حمایت اهل بیت علیهم السلام در آن مکان مقدس و روضه‌ی مطهر متبلور می‌شود و جداً همه را به حیرت واداشته است. اجتماعات بی‌نظیر مشهد مقدس به معجزه‌ای تبدیل شده که جز با اراده‌ی ازلی الهی صورت پذیر نیست و برای احدی جز اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و اوصیاء آن حضرت - علی و آل علی علیهم السلام - فراهم نخواهد گردید.

هر شب و روز تعداد فراوانی انسان مخصوصاً از نسل جوان



پسر و دختر در این مراسم با شکوه شرکت می‌کنند و از گناهان خود روی برگردانده و به سوی پاکی و پرهیزگاری روی می‌آورند. اگر روزی حقیقت و ماهیت زیارت و آداب و شرایط آن کاملاً تشریح می‌شد خدا می‌داند که این مرکز مقدّس و این زیارت سراسر نفوذ و جاذبه چه طوفانی و انقلابی به وجود آورد و چه تحوّلی در میان جامعه، خصوصاً نسل جوان ایجاد نماید.

کتاب حاضر بر این اساس محکم و زیر بنای اصولی نوشته شده و تقدیم دلدادگان زیارت امام هشتم و زایران مکرم قبر قبله‌ی اهل ولا حضرت رضا علیه السلام و سایر امامان معصوم و حجج الهی می‌گردد.

این کتاب حاوی یک مقدمه و سه بخش اصلی و یک بخش پایانی است.

سه بخش اصلی:

۱. مفهوم و ماهیت زیارت و اقسام آن.
 ۲. نقش زیارت و آثار و برکات آن.
 ۳. عنایات و کراماتی از حضرت رضا علیه السلام.
 ۴. آداب و شرایط زایر و زیارت
- و قسمت پایانی امور و مطالبی در رابطه با زیارت و عرض ادب شاعرانه و نیایش زایران است.
- امید است که به برکت حضرت رضا علیه السلام این نوشتار ناچیز برای زایران عزیز تأثیرگذار باشد و مورد عنایات حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام قرار بگیرد.

قم حوزه علمیه
علی کریمی جهرمی





بخش اول

مفهوم و حقیقت زیارت و اقسام آن

معنی و مفهوم زیارت

زیارت در لغت به معنای قصد است و گویا کسی که به زیارت کسی می‌رود او را قصد کرده و به قصد وی به راه افتاده است. معنای اصطلاحی زیارت و حقیقت آن، حضور در نزد مقامی و شخصیتی به منظور بزرگداشت و احترام او و انس گرفتن با اوست.



زیارت احياء

زیارت در مورد احياء و زندگان از اقوام و خویشان و یا دوستان و انسان‌های با قداست، یک معنای روشن و متداول دارد و در روایات شریفه بابی به عنوان: «باب زیارة المؤمن» و یا «باب زیارة الاخوان» به چشم می‌خورد؛ در آن بخش، روایاتی حاکی از اجر و پاداش فراوانی که برای ملاقات و دیدار انسان‌های با ایمان وارد شده ذکر کرده‌اند که البته هر اندازه شخص زیارت شده دارای مراتب بالاتری از معنویت و فضیلت باشد ثواب و پاداش دیدار و ملاقات او بیشتر و بالاتر است؛ چنان چه نیت و هدف زیارت‌کننده هر اندازه خدایی‌تر باشد و زیارت و دیدار به لحاظ ایمان و فضایل او صورت گرفته باشد در ارزش آن زیارت و ثواب آن زیارت، اثر خواهد گذاشت.



زیارت گذشتگان

در مورد اشخاص متوفی نیز کلمه ی «زیارت» استعمال می شود که البته بیشتر به قبر آنان نسبت داده می شود.

این مطلب نشأت گرفته از جهان بینی اسلام و دید وسیع و عمیق ادیان آسمانی به ویژه اسلام است که حیات و زندگی را منحصر به زندگی این جهان نمی دانند و انسان را در چهار دیواری جهان طبیعت محدود نمی کنند بلکه وراء این عالم، عالمی گسترده تر، جالب تر و زیباتر برای انسان قایل اند.

مادیون که اعتقادی به ماوراء طبیعت ندارند و حیات را در همین محدوده ی جهان طبیعت، تفسیر می کنند نمی توانند این اصطلاح و استعمال دوم زیارت را داشته باشند و ندارند.

ولی ادیان الهی و پیروان آن ها یعنی معتقدان به جهان غیب و عالم ابدی و کسانی که باورهای غیبی و فوق مادی دارند و تنوع حیات و تجدید صورت و تکامل آن را پذیرفته و بدان اعتقاد دارند این واژه «یعنی زیارت» را در مورد گذشتگان نیز دارند و به کار می برند و از این رو یکی از مسلمات آنان زیارت اهل قبور یا زیارت اموات یا زیارت شهیدان است و به صورت یک برنامه مذهبی و دینی آن را انجام می دهند.

اهل ادیان و بالخصوص اسلام، مردگان را فاقد فهم، درک و شعور نمی دانند بلکه معتقدند آنان هم حیات دارند؛ نهایت امر این که حیات آنان تغییر شکل داده و تغییر یافته و با توجه به شرایط مخصوص خود، درک و فهمی متناسب دارند؛ از این رو از دیدار زندگان و بازماندگان از منازل و مقابر آن ها خوشحال، مسرور و



شادمان می‌گردند و از این که از خاطر و ذهن بازماندگان رفته و دوستان و بستگان، آنان را فراموش کرده باشند و یادی از آنها نکنند نگران و ناراحت و چه بسا گله‌مند باشند و احیاناً به جای دعا نفرین کنند.

طبق نقل امام صادق علیه السلام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

زور و موتاکم فانهم یفرحون بزیارتکم...^۱
مردگان خود را زیارت کنید زیرا آنان از این که شما به زیارتشان بروید مسرور و شادمان می‌گردند.

در روایت دیگری آمده که محمد بن مسلم می‌گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا مردگان را زیارت کنیم؟» فرمود: «آری!» عرض کردم: «آنها علم و آگاهی دارند که ما به زیارتشان می‌رویم؟» فرمود:

ای والله انهم لیعلمون بکم و یفرحون بکم و یستأنسون الیکم^۲
آری! به خدا سوگند تحقیقاً آنان می‌دانند و از این عمل شما آگاهی دارند و با آمدن شما به سوی آنان، خوشحال و با نشاط می‌گردند و با شما انس می‌گیرند.

این روایات و روایات متعدد دیگر تصریح دارند که مردگان از آمدن احیاء در کنار قبر آنان اطلاع دارند و از این کار زندگان، که نوعی بزرگداشت آنان است، مبتهج و فرحناک می‌گردند و حتی در آن لحظات، با احیاء انس می‌گیرند و احساس وحشت و تنهایی نمی‌کنند.



۱. وسائل الشیعة، ج ۲، باب ۵۴، ح ۵.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲، باب ۵۴، ح ۲.

امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل علیه السلام برای من چنین گفت: خداوند فرشته‌ای را به سوی زمین فرستاد. آن فرشته شروع به راه رفتن کرد تا به در خانه‌ای رسید که مردی آن‌جا ایستاده و از صاحبخانه اجازه ورود می‌خواست. آن ملک گفت: «با صاحب این خانه چه کاری داری؟» پاسخ داد: «او برادر مسلمان من است. آمده‌ام که برای خدا او را زیارت و دیدار کنم.» ملک گفت: «از آمدنت هیچ منظوری جز این نداشتی؟» در پاسخ گفت: «نه! فقط به همین منظور آمده‌ام.» آن فرشته گفت: «پس من فرستاده‌ی خداوند به سوی توام؛ خداوند، سلام می‌فرستد و می‌فرماید: بهشت برای تو واجب و حتمی گردید و اضافه کرد که: خداوند عزوجل می‌فرماید:

هر مسلمانی که مسلمان دیگری را زیارت کند او را دیدار نکرده بلکه مرا زیارت کرده و ثواب و پاداش او بر من بهشت است.»^۱



زیارت قبور علما و بزرگان

زیارت قبور مؤمنان معمولی دارای آن همه اجر و پاداش بود، اکنون اگر انسان به زیارت قبر یک انسان شایسته، صالح و پرهیزکار برود و یا در جوار مزار یکی از علمای بزرگوار شیعه و نواب حضرت بقیت الله علیه السلام با قبر شریف آن عالم بزرگوار و والا مقام، انس بگیرد و از روح بلند و پاکش استمداد کند چه اجر و پاداش‌های بزرگ و چه آثار خیری را به دنبال دارد؟! و چه بسیارند کسانی که در کنار قبر انسان صالح، بزرگوار و وارسته‌ای یا در کنار مزار عالم مهذب و مجتهد والا مقام و آزاده‌ای به اذن خدا به مراد و مقصد و حاجت خویش دست یافته‌اند و مشکلات زندگی آن‌ها مرتفع گردیده و به آسانی از دست‌اندازهای خطرناک زندگی رها شده‌اند.

و البته هیچ بُعدی ندارد که بنده بس صالح و شایسته‌ای که پیوسته در مسیر بندگی خداوند بوده، رضا و خشنودی معبودش را بر رضای خویشتن ترجیح می‌داده و در مقابل اوامر و مقررات الهی، هوای نفس خود را زیر پا گذاشته مورد عنایت الهی قرار بگیرد و خداوند قادر و مهربان به برکت آن انسان صالح و خداجو حاجت کسی که در کنار قبر او به خدا روی آورده برآورده سازد. و یا انسان بزرگواری که عمری را در راه تحصیل علم و دانش الهی به سربرده و همراه فراگیری علم به تهذیب نفس پرداخته و به مقام نیابت از امامان معصوم علیهم السلام به ویژه حضرت بقیت الله علیه السلام رسیده و راحتی و آسایش و همه زندگی خود را در راه ترویج دین خدا و آشنا شدن مردم با معبود یگانه و با ائمه هداة مهذبین علیهم السلام



قرار داده تا آنجا از مورد لطف بی دریغ الهی بهره‌مند گردد که اشخاص خداجو در کنار قبر او مورد افاضه‌ی فیض خداوندی واقع شوند و بندگان خدا در این مکان و به برکت زیارت مدفن یک عالم ربانی و فقیه عادل جامع شرایط به حوایج خود دست یابند و خداوند کار آن‌ها را اصلاح کند.

و این جانب سال‌ها پیش از شیخنا الاستاد حضرت آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی رضوان الله علیه شنیدم که می‌فرمودند: «من از قبر مرحوم آقای حاج سید محمد تقی خوانساری قدس سره - یا کنار قبر ایشان - حوایج خود را می‌گیرم.»

نیز انسان مؤمن صادق القولی که او را به خوبی می‌شناسم می‌گفت: «چند سال قبل برای رفتن به حج واجب، دچار مشکل شده بودم؛ حتی چون بعضی می‌گفتند که در حج واجب می‌توان به اشخاص دارای نفوذ مراجعه کرد، به بعضی از آنان هم مراجعه کردم و موضوع را با آن‌ها در میان گذاشتم و با این حال، مؤثر واقع نشد تا اتفاقاً در شب چندمین سالگرد مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره مجلس بزرگداشت ایشان منعقد بود. من در آن مجلس به روح پاک ایشان متوسل شدم. دو یا سه روز بعد، جریان کار، اصلاح شد و توانستم به حج مشرف شوم.»

شایان توجه است که باید زیارت علمای ربانی، تهذیب شده و بی‌هوا، عالمان خداجو و دل به خدا داده را در ایام حیاتشان نیز مغتنم شمرد و از فیض حضورشان، از علم و فضایل فراوان و از روحیات و معنویات آنان حداکثر استفاده را کرد؛ از بیانات



و افاضاتشان بهره‌مند گردید و این فرصت طلایی را نباید از دست داد.

از خاطراتی که این جانب از سفرهای تبلیغی خود در چند دهه قبل که این‌گونه اشتغالات داشتم به خاطر دارم این است: در اهواز روزهای جمعه که فرا می‌رسید مردم محترم آن سامان به حضور علمای اعلام آن‌جا می‌آمدند و آن‌ها را زیارت می‌کردند.



زیارت مقابر شهیدان

در میان انسان‌های خداجو و دلدادگان حق، شهیدان از همه، پیش‌گام‌ترند؛ خداجویی و دلدادگی آنان به اثبات رسیده و برای کسی قابل تردید نیست؛ زیرا آن‌ها در کوی دوست و منای عشق الهی و برای دفع شر اشرار از حریم مقدس دین و آیین پروردگار از مهم‌ترین متاع گرانبهای خود گذشته و جان شیرین خویش را در این مسیر فدا کردند.

این انسان‌های والا و گرانقدر برای حفاظت و حمایت از دین خدا، مردانه به پاخاستند؛ دشمن غدار را در کار خود حیران ساختند؛ آن‌ها را به عقب راندند و ملت و مکتب مقدس خود را سرفراز نمودند. آنان در این معامله بزرگ با خداوند، جان عزیز خود را مفتخرانه فدا کردند و بالاترین مقامات جهان ابدی را به دست آوردند. خداوند بهترین مقام، اجر و ثواب را برای آنان قرار داده و ذخیره کرده است.

از جمله پاداش‌های پرافتخاری که خدا به آنان عطا فرموده قداست قبر آنهاست؛ مردم به سوی این اماکن و بقاع می‌روند؛ از به خون خفتگان آن مکان‌های مقدس الهام می‌گیرند و صفات برجسته آن فرهیختگان برایشان تداعی می‌شود: آدمی از آن گلزار معطر، غیرت، ایثار، جهاد، فداکاری، پایداری، بزرگواری، پارسایی و سایر صفات عالی‌ه‌ی انسانی را فرا می‌گیرد.

گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشق

آید از آن خاکدان، زمزمه‌ی دوست‌دوست



از دیگر سو زیارت قبور شهیدان، بزرگداشت شخصیت آن عزیزان و در حقیقت بزرگداشت مکرمت‌ها و صفات برجسته، جهاد، ایثار و جوانمردی است.

شیخ کلینی قدس سره نقل کرده است: «امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی این جمله را فرمودند: به ما رسیده که پیامبر صلی الله علیه و آله هر زمان که به سوی قبور شهدا می آمد می گفت:

«السلام علیکم بما صبرتم فنعیم عقبی الدار»^۱

قطب الدین راوندی (متوفای سال ۵۷۳ قمری) از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز شنبه به هنگام صبح، به سوی قبور شهدا - در اُحد - می آمد و نزد قبر حمزه علیه السلام توقف کرده و برای او طلب رحمت و استغفار می کرد.»^۲

زیارت گلزار شهیدان و مقابر نورانی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است خصوصاً به لحاظ آنچه که در قرآن کریم آمده است آنان زنده‌اند و نباید حتی تصوّر، توهم و خیال مرگ آنان را کرد بلکه آنان از رزق و روزی الهی در جهان ابدیت برخوردارند و به آن الطاف و عنایاتی که خداوند درباره‌ی آنان دارد شادمان می‌باشند.

و این صریح قرآن کریم است:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۳

۱. الدعوات، ص ۵۶۰.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۷۳.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹ - ۱۷۰.



وگویا حیات شهیدان نسخه ممتازی از حیات است و آنان
برسایر مردگان و درگذشتگان، در حیاتِ پس از مرگ، امتیاز
دارند، زندگی‌شان سراسر افتخار و همراه با انواع و اقسام لطف و
رحمت الهی و قرینِ عنایات بیکران ذات لایزال او و آمیخته به
بهترین شادی‌ها و نشاط‌ها و خرمی‌هاست. شادی و نشاطی که
برای ما زمینیان و خاکیان و دلبستگان به دنیا و ما اسیران مادیات
قابل درک و فهم نیست و چنان است که تا انسان آن را مشاهده
نکند و لمس ننماید به حقیقت آن پی نمی‌برد.

راستی رفتن به زیارت قبر پاک و تربت نازنین این سرافرازانِ
تاریخ، لذت‌بخش، افتخار آفرین، پندآمیز، تحول بخش و
راهگشای یک زندگی صحیح و معقول است.



زیارت امامزادگان والا مقام

از انواع زیارت‌ها، زیارت امامزادگان والا مقام است؛ آنان شاخ و برگ درخت‌های بارور و پر ثمر رسالت و ولایت‌اند و احياناً بدون واسطه و گاهی با وسایطی چند به امامان معصوم و حجج الهیه علیهم‌السلام متصل می‌شوند؛ پاره‌های تن آن عزیزان خدا به شمار می‌روند و زیارت آن گوهرهای تابناک راهی برای نیل به رضا و خشنودی آباء گرامی و اجداد پاک آن‌هاست.

دستت نمی‌رسد که بچینی گلی ز شاخ
باری به پای گلبن ایشان گیاه باش



و از الطاف بزرگ الهی و از شعب رحمت بی‌کران او درباره بندگانی این است که آن عزیزان در بلاد متفرّق و در شهرها بلکه روستاها، کوه‌ها و صحراها پراکنده می‌باشند و نوع مردم حتی طبقات مستمند که به زیارت قبور منور حجج‌های الهیه دسترسی ندارند به لطف الهی می‌توانند به زیارت این امامزادگان واجب التعظیم نایل گردند و از کنار قبر شریف این عزیزان خدا، کسب فیض‌های ربانی کنند.

شایان ذکر و در خور توجه است که هر چند در بین امامزادگان احياناً افرادی پیدا شده‌اند که به مقتضای شایستگی بسیار بالای خانوادگی و طهارت اعراق و اصالت انساب خود پیش نرفته‌اند و موجب نگرانی خاندان عصمت و طهارت، شیعیان و دلدادگان آن‌ها شده‌اند ولی این‌گونه افراد در میان امامزادگان بسیار کم و نادر الوجودند و نوع و اکثریت غالب آن‌ها انسان‌های بزرگوار

و خداجویی بوده‌اند که از شمیم معطر معنویت و قدسیت آباء
طیبین و اجداد طاهرین خود صلوات الله علیهم اجمعین بهره‌مند
بوده‌اند و گاهی بهره‌های وافر برده‌اند.

آری! در میان آن امامزادگان والا مقام عده‌ای هستند که در
فضیلت، کمالات معنوی، مراتب و مدارج علمی و معنوی و
پیروی از آباء گرامی خود سرآمد روزگار و شهره آفاق و مورد
اشاره پاکان و زبندگان جهان و ملجأ خاصان و مخلصان دربار
الهی بوده‌اند و آثار خیر و برکات بی‌شمار از قبور منور آنان
بروز کرده و موجب توجه کاروان دل‌ها به سوی حق و حقیقت
گردیده است.

ما در این مقام چند نفر از آن والامقامان و مکرمان دربار الهی
را به عنوان نمونه ذکر کرده و درباره‌ی مقامات عالی و شأن رفیع
آنان اشاره‌ای کرده و می‌گذریم:



۱. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

مدفون در شهرستان قم، دختر والاتبار حجّت الله علی العباد و ولیّ الله فی البلاد حضرت موسی بن جعفر الکاظم امام هفتم شیعه صلوات الله علیهما.

این بانوی معظمه و جوان سال، اختری درخشان است که در آسمان ولایت درخشندگی ویژه دارد و چشم و چراغ اهل ولا و دلدادگان آل محمد صلوات الله علیه و علیهم اجمعین است؛ او دخت و الامقام امام کاظم و خواهر گرانقدر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و عمه پر افتخار امام نهم حضرت جواد الائمه علیه السلام است؛ علاوه بر این جهت، از سه امام معصوم روایاتی در مورد زیارت آن بانوی مطهر و ثواب بی شمار زیارت آن معظمه ی دوران رسیده است و آن سه بزرگوار، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، حضرت رضا علیه السلام و حضرت جواد علیه السلام می باشند. از زبان این بزرگواران به طور صریح به زیرین قبر شریفش وعده ی بهشت و رحمت و اسعه الهی داده شده است.

از مظاهر لطف و رحمت الهی و از موجبات سرفرازی شیعه و افتخار دلدادگان ولایت و امامت و خاندان طاهر و مطهر علی و آل علی علیه السلام است. این است که حرم شریف این بانوی آسمانی و فاطمه ثانی در طول روز و شب، از خیل زایران و دلدادگان خالی نمی شود و جمعیت علاقه مندان با شوق فراوان در حرم مطهر و رواق های منور و مساجد مقدس متصل به آن حرم نورانی، به زیارت آن معظمه، دعا، عبادت و راز و نیاز با خدا مشغول اند و پیر و جوان و زن و مرد و عموم طبقات مردم



خوشحال و مسرورند که به زیارت حضرت معصومه علیها السلام و
تقییل ضریح مقدس آن بزرگوار، موفق شده‌اند.



۲. حضرت عبدالعظیم حسنی سلام الله علیه

در شهر ری مدفون است و نسبش با چهار واسطه به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام. این امامزاده‌ی عالیقدر حضور مکرم سه نفر از ائمه‌ی طاهرین یعنی حضرت جواد، حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم السلام را درک کرده و از فیض حضور آن حجت‌های الهی بهره‌های وافر و فیض فراوان برده است. حضرت عبدالعظیم روایات بسیاری از حضرت جواد و حضرت هادی سلام الله علیهما نقل کرده است؛ او نزد آن بزرگوار محترم بود و او را بسیار دوست می‌داشتند.

حضرت عبدالعظیم از رواه و محدثین بزرگ شیعه و از علمای عظیم‌الشأن امامیه است و چنان‌که از بعضی از اساتید بزرگوار رضوان‌الله علیهم اجمعین در ذهن دارم جنبه امامزادگی این امامزاده‌ی واجب‌التعظیم جهات علمی و ثقافی او را تحت الشعاع قرار داده است. آن بزرگوار در مراتب معنوی سرآمد روزگار و پیوسته مشغول عبادت و ذکر و دعا بود؛ او شب‌ها را به بندگی، راز و نیاز با خدا و روزها را با روزه به سر می‌آورد.

در فضیلت زیارت آن بزرگوار همین بس که شخصی از اهل ری می‌گوید: بر حضرت ابوالحسن (امام هادی علیه السلام) وارد شدم. حضرت فرمود: «کجا بودی؟» عرض کردم: «به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم.» امام هادی فرمود:

اما انک لو زرت قبر عبدالعظیم عندکم لکنتم کمن زار



الحسين بن علي عليهما السلام^۱
آگاه باش که اگر قبر عبدالعظیم را که در نزد خودتان (در ری)
است زیارت می‌کردی مانند کسی بودی که حسین بن علی عليهما السلام
را زیارت کرده است.



۱. ثواب الاعمال صدوق، ص ۱۰۴؛ کامل الزیارات ابن قولویه، ص ۳۲۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۵۱.

۳. سید امیر احمد بن موسی الکاظم (شاه چراغ) علیه السلام مدفون در شیراز

نام مبارکش احمد و هم‌نام جدّ امجدش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. وی فرزند بلا واسطه ی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بوده و در این اعصار اشتهار کامل به شاه چراغ پیدا کرده است. او در ایام مأمون به شیراز آمده و در آن‌جا در گذشته و شهید شده است. جنید شیرازی می‌نویسد: «او بسیار بزرگوار و کریم النفس و با رأفت بوده به طوری که هزار نفر برده را از عبید و اماء در راه خدا آزاد نمود.»^۱

و این همان است که در بعضی از عبارات آمده که: «هزار مملوک از مال خویش آزاد نمود.»

و شیخ مفید فرموده: «احمد بن موسی سیدی کریم، جلیل، صاحب ورع و مورد علاقه و محبت حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام بود و حضرت، او را مقدم می‌داشت.»^۲

به هر حال آن بزرگوار دارای مقامی بس رفیع است و روضه ی منوره و صحن و سرای آن بزرگوار همواره محل آمد و شد زنان و مردان صغیر و کبیر از دلدادگان خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله است و زایران بسیاری از خود شیراز و شهرهای مجاور آن و بلکه شهرهای بعید دارد و متوسلان و ارباب حاجت در کنار قبر مطهرش به دربار الهی روی آورده و به برکت آن سید ابرار به حوایج و مقاصد خود دست می‌یابند.

۱. شد الإزار فی حظ الاوزار عن زوار العزار، ص ۲۸۹.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.



بعد از شهادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام حضرت احمد بن موسی و برادران او که به عزم دیدار و ملحق شدن به امام رضا علیه السلام حرکت کرده بودند با شنیدن این خبر دردناک، افسرده خاطر و شدیداً نگران شدند و بالاتر این که تحت تعقیب عوامل حکومت قرار گرفته و یاران شان نیز پراکنده شدند. آن بزرگوار از چنگال دژخیمان، گریخته تا وارد شیراز شد و در منزل یکی از دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام همین مکان که اکنون بقعه و بارگاه منور اوست پنهان گردید و شب و روز به عبادت مشغول بود تا یک سال گذشت؛ جاسوسان والی فارس مکان او را شناسایی کردند و لشکری برای دستگیری اش وارد عمل شدند. آن بزرگمرد یک تنه با آنان مقابله می کرد و شجاعتی حیرت آور از خود نشان داد تا هنگامی که برای استراحت تکیه به دیوار داده بود از عقب، ضربتی با شمشیر بر سر نازنینش وارد نمودند.

و از طرفی در همان حال، جمعی مشغول خراب کردن خانه بودند؛ از این رو بدن مبارکش زیر توده های خاک پنهان شد و بعد بر اثر دشمنی اعداء اهل بیت علیهم السلام، آن مکان، مرکز زباله ها گردید. این وضعیت تا اوایل قرن هفتم هجری که اتابک مظفر الدین در مقام سلطنت فارس قرار گرفت، ادامه داشت. او مردی بسیار صالح بود و در تعظیم شریعت و اهل شرع، سعی فراوان می نمود. امیر مقرب الدین از وزرا و مقربین او دستور داد برای عمران و آبادی شهر، آن تل زباله دان را از میان بردارند و به جای خانه ای که خراب شده بود عمارتی بزرگ برپا کنند. کارگران بسیاری مشغول انجام این کار شدند و زباله ها را به خارج از شهر می بردند.



روزی در اثناء کار، جسد تازه مقتولی بدون این که تغییری یافته باشد با چهره‌ای بسیار زیبا و فرق شکافته پیدا شد. خبر به وزیر داده شد و بر حسب امر او عده‌ای برای بررسی جریان آمدند و در دست آن جوان، حلقه‌ی انگشتری‌ای را مشاهده کردند؛ این جمله بر خاتم آن نقش بسته بود: «العزة لله احمد بن موسى»

با قراین و شواهدی خصوصاً انگشتر دانستند این جسد مطهر حضرت احمد بن موسی برادر حضرت رضا علیه السلام است که بعد از حدود چهار صد سال این گونه سالم و با طراوت باقی مانده است و این خود موجب استبصار جمعی از مردم که مخالف خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند گردید.^۱

به هر حال، این امامزاده، بسیار عظیم الشان و والامقام است؛ فضایل و مناقب بی شمار او ایجاب می‌کند که همه از این کانون فضایل بهره‌مند شوند و از راه دور و نزدیک به زیارت مرقد منور و روضه مطهر آن بزرگوار، مشرف گردیده و از انوار او بهره‌مند شوند.

بزرگانی به زیارت این مرقد شریف افتخار می‌کردند و یا از روح مطهر حضرت احمد بن موسی علیه السلام استمداد می‌نمودند.

مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در شرح احوال ایشان می‌گوید: «و این احقر در سنه ۱۳۱۹ در مراجعت از بیت الله الحرام از شیراز برگشتم و در آن بلده، تربت پاک او را زیارت کردم و از باطن آن بزرگوار استمداد نمودم.»^۲

۱. به شب‌های پیشاور، ص ۱۱۸ تا ۱۲۰ مراجعه شود. مرحوم سلطان واعظین شیرازی جریان شهادت آن بزرگوار را مشروحاً نقل کرده است.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۵۵.



و به یاد دارم مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رضوان الله علیه کسالتی شدید پیدا کرده بودند. خانمی از نوادگان ایشان در آن ایام برای دیدن خویشاوندان و نزدیکانش، عازم شیراز بود و برای خداحافظی به حضور ایشان رفته بود. معظم له وجهی داده و امر فرموده بودند آن را در حرم حضرت شاه چراغ به مصرف برساند و شفای ایشان را بخواهد.



۴. حضرت سید امیر محمد عابد

ناگفته نماند که در فاصله بسیار نزدیکی از بقعه مبارکه شاه چراغ، بقعه منور برادر ایشان حضرت سید امیر محمد قرار دارد. اکنون که صحن‌های این دو بزرگوار یکدست شده و به صورت صحنی بسیار بزرگ و با عظمت در آمده قبه و بارگاه شاه چراغ یک طرف صحن و قبه و بارگاه برادرش حضرت سید امیر محمد طرف دیگر صحن قرار دارد. او همسفر با حضرت شاه چراغ بوده و امامزاده‌ای بسیار جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله است.

در کثرت عبادت و بندگی خداوند، اشتهار دارد؛ همواره با وضو و طهارت و در حال نماز بود. شب‌ها مشغول نماز بود و چون از نمازها فارغ می‌گشت ساعتی استراحت می‌کرد؛ دگر باره از خواب برمی‌خاست و مشغول طهارت و نماز می‌شد؛ مقداری استراحت می‌کرد. باز برمی‌خاست؛ وضو می‌گرفت و مشغول نماز می‌گردید و به همین منوال بود تا صبح، طالع می‌شد.

هاشمیه کنیز رقیه دختر موسی بن جعفر علیه السلام گفته است: من هیچ‌گاه محمد را دیدار نکردم مگر این که این آیه از کتاب خدا را به یاد می‌آوردم:

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ^۱ و^۲

آنها - متقین - کمی از شب را می‌خوابیدند.

این امامزاده بزرگوار در کثرت عبادت و مناجات با خدا به جایی رسیده بود که به محمد عابد، اشتهار پیدا کرده بود. وی

۱. سوره و الذاریات، آیه ۱۷.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.



به عنوان نیایشگر و عابد دوران خویش شناخته می‌شد و در شب‌زنده‌داری سرآمد اقران بود. او در نهایت، در شیراز به آباء طیبین خود پیوست و نزدیک قبر برادرش حضرت شاه چراغ، مدفون گردید.



زیارت معصومین و امامان اهل بیت علیهم السلام

بالاترین، ارزنده‌ترین و پرفضیلت‌ترین زیارت‌ها زیارت معصومین پاک و امامان از آل محمد علیهم السلام است. زیارت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و زیارت دخت گرامی آن حضرت و ائمه ی اهل بیت و خاندان مطهر رسول الله علیهم السلام از بهترین وسایل الی الله تعالی است و با برکت‌ترین زیارت‌ها از نظر آثار، فواید و نتایج بی‌شمار می‌آید.

زیارت ائمه اطهار علیهم السلام از بهترین ذخایر شیعه است. حرکت دلدادگان، از بلاد دور و نزدیک، به عزم زیارت امامان معصوم و واجب‌الاطاعه را با زیارت کسانی که پیش از این در فصل‌های جداگانه ذکر کردیم نمی‌توان مقایسه کرد. زیارت این بزرگواران از همه بالاتر و با اهمیت‌تر است و همچنان‌که نمی‌توان شخصیتی و یا شخصی را با آنان مقایسه و موازنه نمود نمی‌توان زیارت هیچ کس حتی مؤمنان پرهیزکار و با تقوا، عالمان فرهیخته و خدمتگزار و شهیدان گلگون کفن و آغشته به خون را با زیارت آنان مقایسه کرد.

زیرا در نسبت با زیارت مؤمن، حضرات معصومین علیهم السلام، عصاره ایمان و رؤسای اهل ایمان به شمار می‌آیند. در نسبت با زیارت عالم و علما ائمه علیهم السلام علمای آل محمدند و در روایات آمده که:

نحن العلماء و شیعتنا المتعلمون و باقی الناس غناء

ما علماییم و پیروان ما متعلم و در مسیر آموزش‌اند و باقی مردم موجودهای زاید و بی‌ثبات‌اند.



و از طرفی امامان معصوم علیهم السلام، رؤسای علما و معلم عالمان پاک و مرکز تغذیه ی علمی علمای دین اند.
و در نسبت با شهدا، آنان اولاً خود شهیدند و ثانیاً مقتدای شهیدان و امام شهیدان و الهام بخش شهیدان اند و حیات امامان معصوم علیهم السلام در جهان ابدی قوی تر و بالاتر از حیات شهیدان است؛ زیرا علاوه بر جنبه شهادت، حجت بالغه ی الهی و اولیای خاص خداوند بزرگ می باشند؛ در اذن دخول حرم های مطهره می خوانیم:

و اعلم ان رسولک و خلفاءک علیهم السلام احياء عندک یرزقون بیرون مقامی و یسمعون کلامی و یردّون سلامی

و من می دانم که رسول تو و خلفا و جانشینان تو علیهم السلام زندگانی هستند که در نزد تو روزی می برند؛ آنان جایگاه مرا می بینند و سخن مرا می شنوند و جواب مرا می دهند.

آری! مرگ آنان نمی تواند رابطه ی شیعیان و دوستانشان را از آن ذوات مقدسه قطع کند بلکه همواره این رشته مقدس باقی و این حبل الله برقرار است و این اتصال و پیوند، پیوسته مصون و محفوظ می باشد.

بنابراین زیارت امامان معصوم به دیدار آنان رفتن، کنار قبر شریف و در زیر قبه مبارکه آن عزیزان بار انداختن، ارتباط مستقیم با آنها برقرار نمودن، با آن ذوات مقدسه راز دل گفتن و سر بر آستان آن عزیزان خدا نهادن است بلکه تنها اظهار راز و غم درون خود را نمودن نیست که رد و بدل شدن سخنان و گفت و شنود است؛ سلام کردن و پاسخ شنیدن و مورد توجه و لطف ولی خدا قرار گرفتن است.





فصل دوم

نقش زیارت و آثار و برکات آن

مصدق بارز آیه مودت، زیارت امامان است

کسانی که با قرآن کریم در ارتباط اند و با مفاهیم عالیه آن آشنا می‌باشند می‌دانند که خداوند در این کتاب آسمانی مردم مسلمان و علاقه‌مندان به دین را به مودت ذی القربى و نزدیکان پیغمبر اکرم ﷺ فرا خوانده، آن را به صورت مؤکد بر مردم لازم گردانیده و این موضوع را مزد رسالت پیامبر اکرم ﷺ قرار داده است:

قل لا أسألكم عليه اجراً إلا المودة فى القربى^۱

بگو - ای پیامبر! - من از شما بر رسالتم درخواست هیچ اجر و پاداشی نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکان و اهل بیتم.

مودت و محبت نسبت به خاندان پیغمبر و اهل بیت رسول خدا ﷺ امری مستمر است، در هر عصر و زمانی جریان دارد و اختصاصی به زمان حیات آن بزرگواران ندارد بلکه در دوران وفات و ارتحالشان نیز جاری است.

از مظاهر مودت و دلدادگی به حضرات معصومین علیهم‌السلام این است که انسان از دور یا نزدیک به زیارت قبر شریف آن عزیزان الهی بشتابد؛ کنار مرقدشان عرض ادب کند و نسبت به آن ذوات مقدسه و مظاهر رحمت واسعه‌ی الهیه ادای تعظیم و احترام بنماید. البته جالب‌ترین و پرالهام‌ترین عرض ادب و ابراز مودت، خواندن همان زیارت‌نامه‌هایی است که در کتاب‌ها ثبت و ضبط شده است و بوی وحی می‌دهد و چون از آثار الهامات غیبیه است به دور از گزاف‌گویی و اغراق‌سرایی است.

به یقین کسانی که به عزم زیارت اولیای خدا حرکت می‌کنند



– به ویژه اگر از مسافت‌های طولانی و راه‌های دور، قصد زیارت هر کدام از امامان بزرگوار کنند، در کنار قبر منور آنان فرود آمده، با اولیای بزرگ خدا راز دل بگویند، زیارت‌نامه‌ها را ترنم کرده و در حال مخصوصی که برایشان دست می‌دهد زمزمه کنند، به آیه «مَوَدَّةٌ» عمل کرده‌اند و الطاف عمیم الهی، پیامبر و خاندان پاکش شامل حالشان خواهد گردید.



زیارت امامان یا وفاداری به پیمان امامت

یکی از نقش‌های سازنده و پر ارزش زیارت، وفاداری انسان به عهد و پیمان ولایت و امامت است.

پیشوای هشتم شیعه حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید:

ان لكل امام عهداً في عُتق اوليائه و شيعته و ان من تمام الوفاء بالعهد و حسن الاداء زيارة قبورهم فمن زارهم رغبة في زيارتهم و تصديقاً بما رغبوا فيه كان ائمتهم شفعاؤه يوم القيامة^۱

برای هر امامی عهد و پیمانی برگردن دوستان و شیعیان اوست و به یقین از تمام وفای به آن عهد و پیمان، و نیکو ادا کردن آن، زیارت قبور آنان است؛ پس کسی که از روی رغبت و شوق و علاقه‌مندی و برای تصدیق آن‌چه را که در آن رغبت دارد آنان را زیارت کند، امامان او شفیعانش در روز قیامت، خواهند شد.

بنابراین کسی که قبر مطهر امامی از امامان را زیارت کند عهد و پیمان دوستی با آن امام را به خوبی وفا کرده، مراتب صفا و صمیمیت خود را با آن بزرگوار ابراز داشته و رسالت خود را نسبت به آن حجت الهی به منزل رسانیده است و امامان بزرگوار در روز قیامت به شفاعت او بر می‌خیزند؛ از مشکلات و گردنه‌های صعب العبور روز رستاخیز نجاتش خواهند داد؛ برای رهایی او از آتش دوزخ و عذاب الهی وساطت نموده و زبان به شفاعت وی خواهند گشود. این همه سعادت و برکت و خیر همه از آثار و نتایج زیارت قبر امامان معصوم علیهم السلام است.



۱. کامل الزیارات ابن قولویه (مکتبه الصدوق)، ص ۱۳۱، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۱.

زیارت یا اقتدا به معصومین پاک

زیارت امامان معصوم علیهم السلام و حجت‌های الهی و رفتن به سوی قبر آن عزیزان و مقربان دربار الهی نوعی اقتدا و پیروی از خود آن بزرگواران و آن انوار باهره‌ی الهی است؛ زیرا در حالات آنان مکرراً نقل شده که به این عمل عنایت داشتند و زیارت قبر معصومی از معصومان و امامی از امامان را انجام می‌دادند که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

۱. در حالات حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده که در رثای پدر بزرگوار و عالیقدر خود، حضرت خاتم الانبیاء صلوات الله و سلامه علیه می‌خواندند:

إذا ضاق صدري زُرت قبرك باكياً
انوح و ابکی لا اراک مجاوبی
فیا ساکن الغبراء علمتني البكاء
و ذکرک انسانی جمیع المصائب^۱

هنگامی که سینه‌ام به تنگ می‌آید با گریه و زاری به زیارت قبر تو می‌شتابم، نوحه سرایی می‌کنم و می‌گیرم ولی تو را نمی‌بینم که جوابم را بدهی. پس ای که در دل خاک منزل گرفته و آرمیده‌ای، تو گریه را به من آموخته‌ای و یاد تو همه مصایب را از یادم برده است. از ظاهر عبارات این مرثیه جانسوز استفاده می‌شود که بانوی اسلام آن را در کنار قبر پدر بزرگوار خود رسول الله صلی الله علیه و آله انشاء کرده و می‌خوانده‌اند.

۱. بیت الاحزان، محدث قمی، ص ۱۴۰.



۲. در حالات حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام آمده که:
ان الحسين بن علی کان یزور قبر الحسن بن علی علیه السلام کل
جمعة^۱

امام حسین علیه السلام عصر هر جمعه قبر برادرش امام حسن علیه السلام
را زیارت می‌کرد.

۳ و ۴. حضرت امام زین العابدین علیه السلام و حضرت امام محمد
باقر علیه السلام از مدینه به عراق آمده و قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده‌اند.

سید جلیل سید عبدالکریم بن طاووس حسنی، متوفای سال
۶۹۳ هجری، از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:
«پدرم علی بن الحسین علیه السلام بعد از جریان قتل پدرش حسین
بن علی خیمه‌ای از مو در بادیه و بیابان مدینه گرفته بود و سالیانی
در آنجا به سرمی‌برد و دوست نداشت که با مردم معاشرت داشته
باشد. گاهی از همان اقامتگاهش در بادیه به عراق می‌رفت تا پدر
و جد خود را زیارت کند.»

حضرت باقر علیه السلام می‌گویند: «وقتی آن حضرت برای زیارت
امیرالمؤمنین علیه السلام به عراق می‌رفت من هم با او بودم و صاحب
روح دیگری جز دو شتر ما با ما نبود. هنگامی که از بلاد کوفه به
نجف رسید و در مکان مخصوص «کنار قبر شریف» جا گرفت
شروع به گریه کرد به طوری که محاسنش از اشک چشمانش تر
شد. آن‌گاه گفت:

السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته السلام
علیک یا امین الله فی ارضه و حجتہ علی عباده...



آن‌گاه گونه خود را بر قبر نهاد و گفت:
اللهم ان قلوب المختبين اليك والهة و سبل الراغبين اليك
شارعة...»^۱

جابر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «هیچ کس از شیعیان ما نزد قبر امیر المؤمنین علیه السلام یا نزد قبر امام دیگری این کلام را نمی‌گوید و این دعا را نمی‌خواند جز این که دعای او از نردبان‌هایی از نور بالا برده می‌شود و به مهر و خاتم محمد صلی الله علیه و آله مهر زده می‌شود و همچنان سالم و محفوظ است تا به قائم آل محمد علیه السلام تسلیم گردد و این عمل با بشارت، تحیت و کرامت، صاحبش را ملاقات خواهد کرد.»^۲

۵. ابن قولویه نقل کرده که اسحاق بن جریر گفته امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آن دورانی که در حیره نزد ابوالعباس بودم هنگام شب نزد قبر امیر المؤمنین علیه السلام که در ناحیه نجف و متمایل به جانب غری نعمان بود می‌رفتم؛ نماز شب را در آن‌جا به جا می‌آوردم و پیش از این که فجر، طالع شود از آن‌جا برمی‌گشتم.»^۳ آری! امام صادق علیه السلام در زمانی که قبر حضرت امیر المؤمنین مخفی بود و زیارت آن آزاد نبود بلکه خطر جدی هم ایشان را تهدید می‌کرد زیارت آن قبر شریف را ترک نمی‌کردند.

ابن قولویه قمی رضوان الله علیه از محمد بن مسعود نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام را دیدم که آمدند تا به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و پس دست خود را بر روی قبر پیامبر نهاد و فرمود:
أسأل الله الذی اجتباک و اختارک و هداک و هدی بک ان یصلی علیک

۱. این زیارت همان زیارت امین الله و دعای بعد از آن است.

۲. فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی علیه السلام، ص ۷۲ الی ۷۵.

۳. کامل الزیارات، مکتبة الصدوق، ص ۳۴.



از خداوندی که تو را برگزید و انتخاب نموده و هدایت فرمود
و اَمّت را به وسیله‌ی تو هدایت کرد درخواست می‌کنم که بر تو
درود بفرستد.

سپس فرمود:

ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه
و سلموا تسلیماً^۲

به تحقیق خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می‌فرستند. ای
کسانی که ایمان آورده‌اید! بر او درود بفرستید و سلام و تسلیم
کامل خود را به او تقدیم بدارید.



۱. سوره احزاب، آیه ۵۶
۲. کامل الزیارات، مکتبه الصدوق، ص ۳۱

زیارت، عامل آشنایی بیشتر و عمیق‌تر با امامان

یکی از آثار حسنه و از جمله برکات برجسته ی زیارت خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام آشنایی بیشتر با صاحبان آن قبور منور و مدفونین در آن بقعه‌های مطهر است. انسان زایر هر چند شناختی اجمالی از آن ذوات مقدسه و انوار الهی و آسمانی دارد ولی نوعاً با انجام مراسم زیارت و ورود در آن روضه‌های مبارک شناخت تازه‌ای پیدا می‌کند؛ خصوصاً اگر زیارت‌نامه‌های مخصوص و ماثور را قرائت کند جایگاه اصلی و مقام رفیع و شایسته و شأن والای آنان را پیدا خواهد کرد و اگر آن عبارات عالیه و جملات دلنشین و روح‌افزا را با توجه و تدبّر بخواند شناختی پیدا می‌کند که هرگز دل از آنان بر نمی‌کند و به هیاهوها، زرق و برق‌ها و ادعاهای آمیخته به کزاف‌گویی و دروغ دیگران توجه نخواهد کرد؛ زیرا قسمت عمده و اهرم اصلی دور افتادن گروهی از مردم از علی و آل علی صلوات الله علیهم اجمعین همین عدم شناخت صحیح از آن عزیزان خداست و گرنه چه کسی و کدام عاقل خردمندی می‌تواند از آنان جدا شود؟

توبه تاریکی علی را دیده‌ای زین سبب غیری بر او بگزیده‌ای

آری! هر بار که انسان موفق به زیارت این حجت‌های باهره ی الهی می‌شود گامی به سوی معرفت مقام والای آنان فراتر می‌گذارد. روضه منور هر کدام با حال و هوای مخصوص خود، اثری مخصوص در انسان دارد. صحن‌ها و رواق‌های هر کدام از آنها تأثیری بسزا دارد و حتی مدفن پاک آن امامان محبوب و عزیزی



که دارای بقعه، بارگاه، صحن و سرا نیستند در شرایط خاصی که دارند یادآور نکات و مطالب بیشماری هستند و در عین همان سکون و بی‌سکوت بهت‌انگیزی که به وسیله‌ی دشمنان دین و متعصبان معاند و از خدا بی‌خبر به وجود آمده صدها و هزارها حکایت را یادآوری می‌کنند.

دیدن زوار مختلف از صغیر و کبیر، دختر و پسر، پیر و جوان، زن و مرد، داخلی و خارجی هر کدام با آداب و سنن و فرهنگ مخصوصی که دارند و حال ابتهاج و تضرع آنان و اظهار علاقه‌مندی آنان به انوار طیبه و تابناک آسمانی، هر کدام یک ورق تازه‌ی و صحنه جدیدی است که برای انسان جلو می‌آید و عرفان و بینش تازه‌ای نسبت به رتبه منیع و شأن رفیع آنان برای انسان پیدا می‌شود.

آری! حالات زایران، رفت و آمد، تضرع و زاری آنان، توسل و دلدادگی آن‌ها و دشواری‌هایی که در اثناء راه و حتی در خود محل زیارت، برای زیارت قبر امام معصوم خود مشاهده می‌کنند و با آن مواجه می‌گردند با این حال تحمل می‌کنند و شادمان‌اند که مضجع یکی از اولیا و عزیزان خدا را زیارت کرده‌اند همه مبین مقام بس ارجمند آنان است و هر ناظری را توجه می‌دهد که خاندان پیامبر، در اعماق جان مردم پاکدل جا دارند و خود به زودی به این نکته می‌رسد که آنان زبندگان بشریت، عصاره‌ی انسانیت و مورد انتخاب پروردگار بزرگ می‌باشند و خود به خود این مضمون به زبان می‌آید:

با چنین حُسن و ملاحظت اگر ایشان بشرند
ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند



زیارت امامان و آشنایی با مکتب

یکی از برکات مهم و بازدهی‌های قابل توجه زیارت‌ها و حضور در کنار قبور طَیِّبه پیامبر بزرگوار و خاندان پاک او و امامان معصوم این است که در خلال این سفرها، زیارت‌ها و قرائت زیارت نامه‌ها آشنایی بیشتری با مکتب برای انسان پیدا می‌شود. زیارت نامه‌های پیامبر و امامان بزرگوار مشحون از مطالب عالی و مفاهیم فخیم و فاخری است که شمیم وحی و الهام الهی از آن کاملاً به مشام جان اهل دل می‌رسد. بهترین معارف زنده و جاوید در مطاوی این زیارت‌ها به کار برده شده و اگر انسان با توجه و تدبر در معانی و مفاهیم، این جملات نورانی را قرائت کند دریچه‌های معنویات به روی او باز می‌شود؛ به اسرار عالم غیب آشنا خواهد گردید و نکات و دقایقی را از آن دریافت می‌کند که از آن لذت می‌برد و احساس نشاط و شادمانی می‌نماید و همه ی وجودش از درک آن مطالب و فهم آن معانی بلند و بزرگ، مبهتج و مسرور خواهد گردید.

و چنان می‌شود که نزدیک است فریاد شادمانی برآورد و خروش نشاطمندی سر دهد.
آری! منابع پر بار و غنا بخش معنوی و معارف الهی در چهار کلمه خلاصه می‌شود:

یکی قرآن کریم که اصیل‌ترین منبع معارف آسمانی است.
و دیگر، دعاها که به شکلی جدی نقش موثری را در این مسیر ایفا می‌کنند.

سومین منبع، حدیث است که شامل نهج البلاغه نیز می‌شود.



و چهارمین منبع، زیارت‌هاست که راستی یک منبع پرتوان، کاربردی، نافذ و موثر است.

این زیارت‌ها به صورتی مخفی و ناپیدا روح توحید خالص و یگانه‌پرستی کامل را در جان انسان می‌دمد؛ او را با شأن رفیع و پایگاه والای انبیا و پیامبران آشنا می‌سازد؛ امامان معصوم و خاندان جلیل رسول الله را به ما معرفی می‌کند؛ درس دوستی با رجال الهی و مردان خدا و نیز مخالفت و ناسازگاری با طاغوت‌ها و ستمگران از خدا بی‌خبر را به ما می‌دهد؛ صف حق را از صف باطل، ممتاز و جدا می‌سازد؛ انسان را با عدالت، حق‌گویی و حق محوری می‌پروراند؛ از او عنصری ضد ظلم، اجحاف‌گری و در ستیز با بدی، ناپاکی، فساد و قساوت می‌سازد. زیارت، روح انسان را تطیف می‌کند و از سویی آن را مقاوم و با صلابت و نیرویی باطل شکن و کفر ستیز می‌نماید؛ صفات عالی‌ه‌ی انسان‌ها و مکرمت‌های اخلاقی را در جان انسان می‌دمد و ریشه‌های رذایل اخلاقی، بدی‌ها و ناپاکی‌ها را از آن بیرون می‌کشد.

زیارت، صفحه قلب و روح زایر را از آلودگی‌های صفات بد، پاک می‌سازد.

برای نیل به این آثار و برکات، لازم است نکته‌ای را به خوبی مراعات کرد و آن توجه به معانی و مفاهیم این زیارت‌هاست و این که انسان بنگرد که در جو عطر آگین روحانیت و معنویت قرار گرفته و باید از آن حداکثر استفاده را بنماید تا مؤدب به آداب اسلامی گردد.

اینک، نمونه‌ای از آن معارف عالی‌ه و مکارم اخلاقی و عرفان و توجه به خداوند که در زیارت شریف «امین الله» به کار رفته



است:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً
بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ
سَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً
لِسَوَابِغِ آثَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ
مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا
بِحَمْدِكَ وَتَثَانِكَ^۱

خداوندا نفس مرا چنان قرار ده که به تقدیرات تو مطمئن،
به قضای تو راضی و خشنود، به ذکر و دعای تو بسیار متمایل،
دوستدار بهترین اولیای تو، محبوب در آسمان و زمین، بر نزول
بلای تو صابر، نسبت به نعمت‌های گرامی تو شکرگزار، به یاد
عنایات و الطاف بیکران تو، به شادمانی ملاقات تو مشتاق باشد؛
چنان کن که برای روز جزا زاد و توشه‌ی تقوا برگیرد و پیروی
کننده‌ی روش‌های نیکوی اولیای تو باشد، از اخلاق اعدا و
دشمنان تو به دور، از دنیا روی گردانیده و به حمد و ثنای تو
مشغول باشد.

می‌نگرید که این جملات پرفروغ و نورانی، حاوی عالی‌ترین
دقایق معرفتی و ظرافت‌های اخلاقی است؛ با ملاحظه، همین چند
فقره مبارکه می‌توان حرکت الی الله را شروع کرد؛ سیر و سلوک
واقعی را آغاز نمود و با سالکان حقیقی راه خداوند، همگام و
هم‌پرواز شد. این فقرات دلنشین رموز مکرمت‌های اخلاقی را در
انسان اشراب و تزریق می‌کند.

شگفتا که این فرازهای مختصر و کوتاه چه پر بار و ارزنده‌اند،



چقدر می‌توانند در درون انسان، تحول ایجاد کنند؛ راه او را از مسیر انحراف، بدی و کجروی عوض کنند و او را در جاده‌ی حقیقی حق و صراط مستقیم الهی به حرکت در آورند.



ثواب زیارت هر یک از امامان علیهم السلام

ابن قولویه با سلسله سند خود نقل می‌کند که زید شحام گفته است: «به حضرت صادق علیهم السلام عرض کردم: برای کسی که یکی از شما (امامان) را زیارت کند چه چیزی [چه مقام و ثوابی] خواهد بود؟ حضرت صادق علیهم السلام فرمود: همانند کسی که رسول خدا ﷺ را زیارت کرده باشد.»^۱

آری! هر کدام از امامان بزرگوار به پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله اتصال دارند و همه آنها اوصیای رسول خدا می‌باشند، از یک سو پاره‌های تن رسول الله هستند و از دیگر سو به اقتضای مقام معنوی و رتبه‌ی والای وصایت، ولایت و جانشینی آن حضرت، نمودار و مظاهر وجود آن بزرگوارند؛ جسم و جان آنها برگرفته از جسم و جان پیامبر ﷺ است و بنابراین هر کس توفیق زیارت یکی از آنان را پیدا کند در حقیقت به زیارت رسول الله ﷺ دست یافته و پاداش زیارت آن حضرت برای او خواهد بود.



زیارت امام حسین علیه السلام

در میان زیارت‌های امامان، زیارت امام حسین علیه السلام جلوه‌ی خاص و آثار ویژه دارد و مورد ترغیب و تشویق مخصوص از ناحیه حضرات معصومین علیهم السلام واقع شده است. محمد بن مسلم می‌گوید: «حضرت ابو جعفر - امام باقر - علیه السلام فرمود:

مروا شیعنا بزیارة قبرالحسین علیه السلام فان اتیانه یزید فی الرزق ویمدّ فی العمر ویدفع مدافع السوء و اتیانه مقترض علی کل مؤمن یقر للحسین بالامامة من الله عزوجل^۱

شیعیان ما را امر کنید به زیارت قبر حسین علیه السلام بروند؛ زیرا حرکت به سوی قبر حسین علیه السلام روزی را افزایش می‌دهد و عمر انسان را طولانی می‌کند و جریان‌های نگران‌کننده و حوادث بد را برطرف می‌سازد و زیارت قبر آن حضرت بر هر مؤمنی که به امامت حسین علیه السلام اقرار دارد، لازم است.

بنگرید که امام باقر علیه السلام در این حدیث شریف نخست دستور می‌دهند که شیعیان ما را به زیارت امام حسین علیه السلام امر کنید و ادا نمایند.

ایشان واژه‌ی «شیعیان ما» را به کار برده‌اند که خود مُشعر بر آن است که زیارت امام حسین علیه السلام یک وظیفه و شاخصه و خود برنامه‌ای لازم برای پیروان اهل بیت عصمت و طهارت است و در پایان حدیث، زیارت آن حضرت را یک فریضه و عمل لازم برای معتقدان به امامت امام حسین علیه السلام قلمداد کرده‌اند.



امام علیؑ در بخش میانی کلام مبارک خود، آثار و برکات زیارت آن حضرت را ذکر کرده‌اند؛ از جمله این که موجب فزونی رزق است؛ عمر انسان را زیاد می‌کند و دیگر آن که جریانات خطرناک، وحشت‌بار و آزار دهنده را از زندگی انسان دور می‌سازد و چه بسا که این جریانات و امور خطرناک و آزاردهنده اعم از جریانات دنیا و آخرت باشد.



زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

هر چند که زیارت هر یک از ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين از بهترین اعمال به شمار می‌رود؛ دارای اجر و پاداش فراوان بوده و منشأ خیرات و برکات بی‌شمار می‌باشد و هر کدام دارای تأثیرات خاص در جان انسان است و ارتعاشات مخصوص و ویژه‌ای در نهاد آدمی ایجاد می‌کند ولی در این میان زیارت حضرت ابوالحسن امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به مقتضای روایات، از ویژگی‌های بسیاری برخوردار است؛ آثار و ثمرات فراوانی در دنیا و نیز در آخرت بر آن مترتب خواهد شد و دارای اجر و پاداش بسیار عظیم و بالایی در جهان ابدی می‌باشد.

یحیی بن سلیمان مازنی نقل می‌کند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند:

من زار قبر ولدی علی و بات عنده لیلة کان کمن زار الله فی عرشه

کسی که قبر فرزندم علی [حضرت رضا علیه السلام] را زیارت کند و شبی را در نزد او بماند مانند کسی است که خدای را در عرش وی زیارت کرده باشد.

یحیی بن سلیمان می‌گوید: «گفتم: مانند کسی است که خدا را در عرش او زیارت کرده باشد؟!» فرمود: «آری هنگامی که روز قیامت شد چهار نفر از اولین و چهار نفر از آخرین بر عرش خدای رحمان خواهند بود.

اما چهار نفری که از اولی‌اند نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام هستند.



و اما چهار نفری که از آخری اند محمد، علی، حسن و حسین علیهم السلام می‌باشند. آن‌گاه مائده ی طعام گسترده می‌شود و می‌نشینیم و زوار قبور ائمه با ما می‌باشند.

الآن اعلام درجه و اقریهم حَبُوة زوار قبر ولدی علیه السلام
جز این که بلندترین آنان در درجه و نزدیک‌ترین آنان از جهت بخشش و عطا زایران قبر فرزندم [حضرت رضا علیه السلام] می‌باشند.»
صدر و ذیل این روایت شریفه بسیار جالب است. اما صدر آن که به طور صریح، زیارت قبر حضرت رضا علیه السلام و یک شب بیتوته کردن در آن مکان مقدس را همانند زیارت خداوند در عرش اعلی قلمداد می‌کند.

و اما ذیل روایت این که: همه ی زوار قبور امامان معصوم علیهم السلام کنار مائده‌ی لطف و احسان الهی نزد ائمه علیهم السلام حضور خواهند داشت ولی زایران قبر حضرت رضا علیه السلام در اعلی درجه و بالاترین مرتبه نسبت به سایر زایران هستند و به عطایا و الطاف بزرگ الهی از همه نزدیک‌تر می‌باشند.

و چه جالب است که هم در جمله صدر و هم در فقره ذیل، حضرت موسی بن جعفر از زایران امام رضا علیه السلام با عنوان «زایران قبر فرزند من» یاد می‌کنند.

این حدیث شریف را مشایخ سه گانه و رؤسای شیعه: مرحوم شیخ کلینی در کافی، شیخ طوسی در تهذیب و شیخ صدوق در امالی و نیز در عیون الاخبار نقل کرده‌اند.





۶۱

بخش سوم
عنايات و كرامات حضرت رضا عليه السلام

برکات زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منحصر به عالم آخرت و اجر و ثواب‌های بی‌شمار آن نیست بلکه زیارت ایشان و عرض حاجت در آن روزه‌ی با صفا و کنار قبر مطهر آن سرور اختیار برای اصلاح امور زندگی انسان نیز بسیار مؤثر است. در پرتو زیارت و شفاعت‌خواهی از آن بزرگوار، امور حیات انسان نیز سر و سامان می‌یابد و مشکلات و شداید وی برطرف خواهد شد.

و این از اموری است که علاوه بر روایات، به تجربه افراد بی‌شماری ثابت و محقق شده و معجزات و خوارق عادات بسیاری در هر سال و ماه و هفته بلکه در هر شبانه روز کانون لطف و صفا و از آن مظهر رحمت و اسعه‌ی الهی ظاهر می‌شود و کرامات فراوان از آن قبر شریف بروز می‌کند؛ چه مشکلات بزرگی که به برکت زیارت حضرت رضا علیه السلام و توسل به قبر منور و مطهر آن بزرگوار حل شده و چه گره‌های کوری که در مقاطع مختلف زندگی برای افرادی پدید آمده و در سایه زیارت و توجه به آستان مقدس آن ولی اعظم خدا باز شده است و چه حوایجی که به برکت توسل به حضرت رضا علیه السلام به زودی برآورده گردیده و صاحب حاجت به مراد و مقصد خود به خوبی نایل شده است؛ ما در این مقام به ذکر چند مورد از موارد بی‌شمار آن اکتفا می‌کنیم:

۱. آقای حاج حبیب الله رجیبیان که از اختیار و صلحای قم می‌باشند برای این جانب نقل کردند: «مرحوم حاج میرزا محمد علی صالحی که از جهت دیانت در قم کم نظیر بود در کارخانه ریسباف قم که اکنون محل صدا و سیمای قم است کارگر بود



و کار می‌کرد.

حدود هفتاد سال پیش زمانی که در سنین چهارده پانزده سالگی با پدر و مادرم عازم مشهد بودیم هنگام حرکت، آقای صالحی برای بدرقه ی ما نزدیک ماشین آمد. هنگام حرکت، او پاکتی به من داد و گفت: «وقتی به مشهد رسیدی و به حرم مشرف شدی این نامه را در ضریح مقدس بینداز که حضرت خودشان جواب می‌دهند.»

من هم این کارها را کردم: یعنی روز یکشنبه وارد مشهد شدیم. یکی ساعت به غروب همان روز به حرم مشرف شدم و چون در آن زمان ازدحام به حد کنونی نبود به ضریح مقدس، نزدیک شده، عرض سلام نمودم و آن نامه را که از محتوایش هیچ‌گونه اطلاعی نداشتم داخل ضریح انداختم و عرض کردم: «یا امام رضا علیه السلام! خودتان جواب آن را بدهید.»

سفر ما حدوداً یک ماه طول کشید. وقتی به قم آمدیم آقای حاج محمد علی صالحی به دیدن ما آمدند و گفتند: «نامه را در ضریح انداختی؟» گفتم: «آری!» و جریان را برایش تعریف کردم. آقای صالحی گفت: «به خود امام رضا علیه السلام قسم، من در همان روز یکشنبه، یک ساعت به غروب جواب حضرت را گرفتم!» از آقای صالحی علت نوشتن این نامه را پرسیدم و معلوم شد برای شغل و تغییر فضای کارش بوده است؛ زیرا او بیماری ریوی داشت و در آن کارخانه یا دستگاهی کار می‌کرد که مرتباً گرد و غبار مواد به سینه‌اش می‌رسید و بیماری‌اش را تشدید می‌کرد. وی از این موضوع، رنج می‌برد ولی چون رئیس کارخانه، به نام آقای نوروزی، مدیری بسیار مسلط بود هیچ‌کس قدرت بگو مگو



با او نداشت؛ حتی کارگران نمی‌توانستند از مشکلات کار سخنی بگویند و گرنه فوراً آن‌ها را اخراج می‌کرد. ایشان هم از ترس اخراج، از مشکل خود، سخنی به میان نمی‌آورد. نهایتاً او به حضرت رضا علیه‌السلام نامه نوشته و تقاضا کرده بوده تا به بخش دیگری منتقل شود.

او به من گفت: «من همان یک ساعت به غروب روز یکشنبه از سالن بیرون آمدم اتفاقاً آقای نوروزی در کنار باغچه، سوت زنان، قدم می‌زد معلوم بود سر حال است. سلام کردم و گفت: «با تو کار دارم.» او مرا صدا کرد جلو رفتم. او گفت: «می‌خواهی کارت را عوض کنم؟» گفتم: «من از دیرزمان این آرزو را داشتم و می‌خواستم تقاضا بکنم اما از ترس این که مبادا شما قبول نکنید چیزی نگفتم و گرنه کار در این قسمت برایم مضر است.» او گفت: «از فردا صبح اطاق کنار دفتر را در اختیار بگیر و کوپن‌های نان و کارگران و نانخورشان را با قید حضور و غیاب، به حضور یافتگان بده.» چون سال جنگ بود و متفقین در ایران بودند حالت قحطی دست داده، وضع نان بد شده بود و به سختی می‌شد نانی به دست آورد لذا رئیس این کارخانه، محلی برای پخت نان در آن‌جا تشکیل داده و مهر و کوپن چاپ کرده بود تا کارگران خود را از آن مشکل برهاند در هر حال، او گفت: این اطاق، دفتر تو باشد و در روز هر کس حضور داشت به تعداد نفرات خانواده‌اش به او کوپن بده و هر کس هم که غایب بود هیچ و این کار را در چند ساعت صبح انجام بده و بعد هم یکسره راحت به هر جا می‌خواهی برو.

آقای صالحی گفت: من از خوشحالی سراز پا نمی‌شناختم



و لذا دست او را هم بوسیدم و بعدها هم مأمور خرید کارخانه شدم.»

سبحان الله! همان روزی که نامه ایشان به وسیله‌ی یک نوجوان در ضریح مطهر می‌افتد همان ساعت در قم تصرفی در قلب این رئیس می‌شود و همان ساعت حاجت و درخواست آقای صالحی متحقق می‌گردد!

۲. یکی از دوستان محترم که از معتقدات خوبی برخوردار است و عملاً نیز متعهد و پای‌بند به احکام دینی است. داستان بیماری و شفا یافتن خود را به برکت حضرت رضا علیه‌السلام چنین بیان می‌کرد: «دچار کسالت شده بودم و تارهای صوتی‌ام اختلال پیدا کرده و سخن گفتن برایم مشکل شده بود به دکتر، مراجعه کردم؛ گفتند باید عمل شود. در شیراز به بیمارستان رفتم و آماده عمل شدم. لباس اتاق عمل را پوشیدم. مرا به اتاق عمل بردند. ناگهان پشیمان شدم و گفتم باید به مشهد بروم و به حضرت رضا علیه‌السلام متوسل شوم. بالاخره از اتاق عمل بیرون آمدم. به مشهد مقدس مشرف شدم و در جلو بارگاه منور حضرت بسیار گریه کردم و شفای خود را خواستم. ناگهان کسی رسید و کارت غذای حرم را به من داد. من به مهمانسرا رفته و از غذای حضرت استفاده کردم. در همین سفر حالم به کلی عوض شد و صحبت کردنم به صورت عادی برگشت.

۳. عالمی بزرگوار که طی آشنایی ده‌ها ساله او را در مرتبه بالایی از علم و تقوا می‌شناسم از دوست عزیز و هم‌بحث دوران جوانی خود، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای سید حسن میردامادی، از فضایی مشهد مقدس، نقل می‌کردند که ایشان



فرموده بودند:

«شخصی به دنبال شغل تاکسیرانی بوده و مدت نسبتاً زیادی برای گرفتن گواهینامه ی رانندگی معطل می ماند اما موفق به اخذ گواهینامه نمی گردد. بعد از مدتی به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام متوسل می شود و اصلاح این امر را از آن حضرت می خواهد. در عالم رؤیا به حضور مبارک حضرت رضا علیه السلام مشرف می شود. امام به او می فرماید: «برو به امینی - افسری که نسبتاً صالح و خوب بوده است - بگو: به این نشانی که دیشب برای زیارت آمدی و چون عجله داشتی زیارت امین الله را نخواندی حضرت رضا فرمودند که گواهینامه ی مرا بدهی و رانندگی مرا تصدیق کنی.»

آن شخص از خواب بیدار می شود؛ به سراغ امینی می رود و سفارش امام علیه السلام را به او می رساند. وی سخت متعجب می شود و تصدیق می کند که آری دیشب برای زیارت مشرف شدم ولی زیارت امین الله را نخواندم. به دنبال این رؤیای صادقه و این نشانی صحیح و حقیقت دار، و عنایت رضویّه گواهینامه ی او را می دهد.»

۴. همان عالم جلیل القدر و صادق القول می گفتند: «چندین سال قبل در سفر مشهد یکی از صبیبه هایم بلوزی را خریداری کرده بود و به من پیشنهاد کرد که برای مادرشان - خانواده ام - از آن نوع بلوز خریداری کنم. گفتم: الآن چنین وجهی ندارم و برایم میسر نیست. فردا یا همان ایام یکی از آقایان فضلا ی مشهد که از دوستان سابق من در قم بود به من رسید؛ مبلغی را داد و گفت این مربوط به تهیه سوغات سفر مشهد برای نزدیکان است. ما



با آن وجه از آن بلوز مخصوص برای خانواده و نیز برای سایر صبیبه‌ها خریداری کردیم.»

آری! لطف و عنایت خاندان رسول الله ﷺ خصوصاً حضرت رضا علیه السلام آن‌چنان گسترده و وسیع است که گاهی حتی بدون درخواست هم عطا می‌کنند و همین‌که انسان بر آن بزرگوار وارد شده و به عنوان زیارت آمده و اکنون نوعی نیازمندی دارد بس است تا لطف و رأفت آن حضرت به سوی او منعطف گردد؛ گره از کارش گشوده شود و حاجتش به اذن الله روا گردد.

۵. جوانی از اهل علم، فضل و تبلیغ از اهل مشهد برای اصلاح امر ازدواجش به حرم مقدس حضرت رضا علیه السلام روی آورده، در مکانی نزدیک به روضه ی منور و قبر شریف آن بزرگوار نشسته و مشغول توسل به آن امام همام می‌شود و از حضرت رضا علیه السلام می‌خواهد که موردی مناسب و شایسته برای همسری او مقدر شود. مطلب او بین خود و خدا و حضرت رضا علیه السلام صورت می‌گیرد.

اتفاقاً شخص محترمی در کنار وی مشغول عبادت و توسل بوده و آن طلبه ی فاضل محترم را می‌بیند و بدون هیچ سابقه و آشنایی قبلی به آن جوان می‌گوید: «شما نمی‌خواهید ازدواج کنید؟ اگر تصمیم دارید، من دختری دارم و می‌توانید با ایشان وصلت کنید.»

آری! همان جلسه توسل به امام هشتم و حضور در کنار قبر آن بزرگوار اثر خود را به جا گذاشت؛ طلبه ی جوان را به خواسته‌اش رسانید و امر ازدواج او اصلاح و رو به راه گردید.^۱

۱. طلبه مذکور با صبیبه آن مرد محترم و پرهیزگار که این جانب سالیان سال او را به صلاح و باکی می‌شناسم ازدواج کرد و اینک صمیمیت، وفا و احترام متقابل بر زندگی آنها حاکم است.





۶۹

بخش چهارم

آداب و شرایط زائر و زیارت

آداب زیارت

زیارت امامان بزرگوار و معصومین پاک علیهم السلام، حضور در محضر ولی الله الاعظم و حجت بالغه‌ی الهی است و برقرار کردن راه و رابطه با یک شخصیت الهی و انسان آسمانی و مخاطبه با اوست. از بُعد دیگر زیارت امام علیه السلام یک عبادت الهی است و جنبه‌ی بندگی خدا را دارد و انسان زایر، با ذات اقدس الهی راه و رابطه برقرار می‌کند و از این رو باید زیارت با آداب مخصوص انجام شود و این آداب در کمال و تعالی زیارت انسان اثر به سزا دارد. زیارت بدون آداب و احوال مخصوص، اثر چشمگیر و مهمی ندارد و عمل انسان و زیارت او بی‌روح و فاقد ارزش و اعتبار است و یا ارزش آن ناقص و ناچیز است.

بر همین اساس، بعضی از علمای اعلام و فقهای عالیقدر در کتاب‌های فقهی خود بابتی را بعد از کتاب حج و بیان اعمال حج و عمره تحت عنوان زیارت، منعقد کرده و راجع به آداب زیارت نیز سخن گفته‌اند و نیز علمای اخلاق، این مطلب را در کتاب‌های اخلاقی خود یادآور شده و مورد سخن و بحث قرار داده‌اند.

همچنین علمایی که تألیفاتی در دعا و زیارت دارند این موضوع را در کتاب خود متذکر شده‌اند؛ چنان که محدث بزرگوار و عالم عالیقدر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضوان الله علیه در مفاتیح الجنان، این بحث را به نحوی دنبال کرده است.

مرحوم شهید اول شیخ شمس الدین محمد بن مکی عاملی رضوان الله علیه که از فقهای مشهور به نام امامیه است در کتاب شریف دروس، ضمن درس ۱۲۸ این بحث را عنوان کرده و



فرموده است:

«برای زیارت آدابی است.»

آن‌گاه چهارده مطلب را به عنوان آداب زیارت به صورت اختصار ذکر فرموده است و ما هر کدام را طبق ترتیب مذکور یادآور می‌شویم و آن را به اقتضای موضوع پی می‌گیریم:

۱. احدها الغسل قبل دخول المشهد و الكون على طهارة فلو احدث اعاد الغسل قاله المفيد و اتيانه بخضوع و خشوع في ثياب طاهرة نظيفة جديدة

نخستین مطلب از آداب زیارت این است که زائر پیش از ورود در روضه‌ی منوره، غسل کند و هنگام ورود در حالت طهارت باشد و شیخ مفید فرموده است اگر بعد از غسل محدث شد غسل را اعاده کند و غسل را با خضوع و خشوع به جا آورد و بعد هم جامه‌های طاهر و نظیف بپوشد.

آری! ورود در حرم مطهر و مزار شریف امام معصوم و حجت الهی علیه السلام ایجاب می‌کند که انسان اولاً غسل کند تا بدن او پاک و پاکیزه باشد و نیز لباس تمیز و نظیف بپوشد تا هنگام ورود در روضه‌ی منوره و حرم شریف امام علیه السلام همه وجودش سرشار از پاکی و نظافت باشد: بدن پاک، لباس نظیف و طهارت معنوی که به برکت غسل برای او ایجاد شده است.

در مراسم ملاقات‌های ظاهری و رفتن به دیدن افرادی که از موقعیت خاص معنوی، علمی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند خود را پاک و پاکیزه می‌کنیم. بدن خویش را شستشو می‌دهیم و جامه‌ی نو یا نظیف به تن می‌کنیم.

اکنون بنگریم که کدام شخصیت به پایه‌ی حجت خداوند و



ولی دوران امام معصوم مانند حضرت علی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام و یا حضرت رضا علیه السلام می‌رسد.

بنابراین باید انسان زایر بکوشد تا تشرف به روضه‌ی منوره آن عزیزان خدا و محبوبان دربار کبریا را با طهارت و نظافت در بدن و لباس مقرون کند و عملاً زیارت آن بزرگواران را کمتر از حضور در یک مهمانی مهم و یک جلسه ضیافت یا رفتن به ملاقات یک شخصیت و دیدار فردی قدرتمند و نافذ الکلمه به حساب نیاورد.

کسی که با چنین حالت و هیئتی یعنی با بدن و جامه‌ی پاک و تمیز و با طهارت، وارد حرم مطهر گردد احساس می‌کند که یک زیارت شایسته انجام می‌دهد و حفظ کرامت، علو مقام، رفعت شأن حرم و صاحب حرم را نموده است. به طور طبیعی این حالت در کیفیت زیارت او هم اثر مثبت و مطلوب دارد. و حتی امید انسان را به قبولی زیارتش افزایش می‌دهد.

۲. ثانیها الوقوف علی بابہ و الدعاء و الاستیذان بالمأثور فان وجد خشوعاً و رقة دخل و الا فالأفضل له تحری زمان الرقة لان الغرض الایهم حضور القلب لتلقى الرحمة النازله من الرب فاذا دخل قدم رجله الیمنی و اذا خرج فیالیسری

دومین نکته از آداب زیارت، این است که بر در روضه منوره لحظاتی بایستد و دعا بخواند و با همان عبارات و فقراتی که در کتب مربوطه وارد شده اذن دخول بخواند و آن‌گاه اگر حالت خشوع و رقتی در خود دید، داخل شود و اگر چنین حالتی را در خود احساس نکرد بهتر است که صبر کند و به دنبال زمانی باشد که خشوع و رقت را در خود ببیند و با آن حال وارد شود؛ زیرا



هدف مهم‌تر حضور قلب آدمی برای گرفتن رحمتی است که از ناحیه ذات اقدس الهی نازل می‌شود؛ آن‌گاه به هنگام ورود، پای راست را جلو بگذارد همان‌گونه که در وقت بازگشت از حرم مطهر، پای چپ را مقدم بردارد.

آری! ورود بی‌سابقه و بدون آمادگی روحی برای انسان شایسته نیست بلکه باید مقداری پیش از ورود، بایستد و استعداد و آمادگی را در خود ایجاد کند و با خضوع همه اعضا و جوارح و خشوع کامل قلب، وارد روضه‌ی مبارکه گردد. برای پیدایش چنین حالتی می‌توان از دعا و نیایش و خواندن اذن دخول به نحوی که بزرگان ذکر کرده و دستور داده‌اند استفاده کرد اگر این اذن دخول‌ها را انسان با توجه و غور در معانی آن بخواند حال او دگرگون می‌شود و رقت قلب، نرمی دل و خشوع مطلوب و لازم در جان او پدید خواهد آمد.

و این حالت است که انسان را به هدف نهایی می‌رساند؛ زیرا غرض کلی و مقصد و مقصود اصلی، آمادگی دل و جان برای پذیرش و گرفتن افاضات ربانی و الطاف الهی است که در خلال این حالات حاصل خواهد شد.

۳. ثالثها الوقوف علی الضریح ملاصقاً له او غیر ملاصق و توهم ان البعد ادب و هم فقد نص علی الاتکاء علی الضریح و تقبيله سومین ادب زایر این است که در کنار ضریح مقدس بایستد، چه این که خود را بدان بچسباند یا نه؛ و اندیشه این که در نقطه دور دست قرار گرفتن ادب است و هم و خیالی دور از واقعیت است؛ زیرا در اخبار تصریح شده که زیارت کننده بر ضریح مقدس تکیه کرده و آن را بیوسد.





آری از آداب زیارت، ورود در حرم شریف و ایستادن در نزد ضریح مبارک است. چسبیدن به ضریح و تکان دادن، و یا آویزان شدن به آن، لزومی ندارد و معتبر نیست آنچه که مهم و قابل توجه است همان نزدیک گردیدن است. ممکن است توهم شود مقتضای ادب به آن امام عظیم‌الشأن و الامقام جای گرفتن در نقطه دور دستی از آن ضریح منور است^۱ ولی باید توجه داشت که چنین اندیشه‌ای، وهم و خیالی دور از حقیقت است؛ زیرا در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به تکیه کردن به آن موضع مقدس، تصریح شده است.^۲

آری! این قبر و ضریح محبوب‌ترین محبوب‌های انسان است و خوابگاه عزیزترین عزیزان خدا و بندگان صالح پروردگار است؛ اگر آن بزرگواری که در این مرقد مطهر آرمیده برای زایر به ظاهر، مرئی بود و او را دیدار می‌نمود چه برخوردی داشت؟ آیا او را در آغوش جان نمی‌فشرد و سرتا پا و قدم‌های او را غرق در بوسه نمی‌کرد؟ اینک زایر در بقعه‌ای قرار گرفته که مهبط آن نور تابناک الهی است و حرم مطهر و ضریح مقدس برای زایران آن بزرگوار، بوی معطر همان محبوب الهی را می‌دهد.

۴. رابعها استقبال وجه المزور و استدبار القبلة حال الزيارة ثم يضع عليه خده الايمن عند الفراغ من الزيارة ويدعو متضرعاً ثم يضع خده الايسر و يدعو سائلاً من الله تعالى بحقه و بحق صاحب القبر ان يجعله من اهل شفاعته و يبالح في الدعاء و الالحاح ثم

۱. این جانب شنیدم که شخصی در مقام تعریف و ستایش دیگری می‌گفت: «او به هنگام زیارت حضرت رضا علیه السلام (ظاهر) اصلاً وارد حرم نمی‌شد بلکه در رواق می‌ایستاد، سلام می‌کرد، زیارت می‌نمود و می‌رفت و به خود اجازه نمی‌داد که وارد حرم شود.»!!

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۶۷، ب ۶ از ابواب مزار دلالت بر این موضوع دارد.

ینصرف الی مایلی الرأس ثم یستقبل القبلة و یدعو

ادب چهارم از آداب زایر آن است که در حال زیارت، مقابل روی مبارک آن امام معصوم علیه السلام و پشت به قبله قرار بگیرد و پس از فراغت از زیارت، گونه‌ی راست خود را بر قبر مطهر یا ضریح منور بگذارد و در حال تضرع، ابتهاج و زاری دعا کند و خدای را بخواند؛ آن‌گاه گونه‌ی چپ خود را بگذارد و دعا کند و از خدای تعالی مسألت بنماید به حق ذات مقدسش و به حق صاحب آن قبر شریف وی را مشمول شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و هر چه بیشتر اصرار در دعا و التماس به دربار الهی کند. آن‌گاه از آن‌جا به طرف بالای سر برود و رو به قبله آورد و دعا کند.

آری! همچنان‌که انسان هنگامی که به ملاقات بزرگی می‌رود رو به روی او می‌ایستد یا می‌نشیند در زیارت امام علیه السلام نیز این ادب عرفی، اخلاقی و شرعی ملاحظه می‌شود و زیارت‌کننده مقابل امام، قرار می‌گیرد هر چند که چون صورت مبارکشان در مضجع شریف، رو به قبله است انسان در حال مواجهه با صورت مبارک، پشت به قبله واقع می‌شود.

این زیارت غیر از دیدار دوستان و ملاقات با شخصیت‌های مورد علاقه است زیرا انسان زایر در کنار قبر مطهر و مرقد منور ولی الله اعظم قرار گرفته؛ بنابراین گونه‌ی راست و چپ خود را به قبر مطهر و یا ضریح شریف امام علیه السلام بگذارد، با کمال تضرع و زاری دعا کند، به دربار الهی بنالد و با خدای بزرگ زمزمه‌ی بندگی داشته باشد و در این عمل، هم منتهای علاقه‌مندی و عمق دلدادگی خود را به مقام رفیع امام و حجت‌بالغهی الهی و شدت



تواضع خویش را در برابر ولی خدا نشان دهد و هم بهترین زمینه مساعد و مناسب برای تقرّب به خدا و اجابت دعا و درخواست خود را فراهم آورده است و از این رو در آن حال، ملتسمانه دعا و نیایش بنماید.

به اقتضای مکان و حال، شایسته است زایر از خدا بخواهد که به فیض بزرگ شفاعت آن ولی اعظم الهی نایل گردد. و چون مکان، بسیار مقدّس و مورد نظر لطف الهی است و رحمت پروردگار، بی دریغ در آنجا ریزش می کند و ملائکه الله همواره در نزول و صعود و آمد و رفت هستند پس هر چه می تواند به دربار الهی، دعا و ابتهال کند که در حقیقت با فرشتگان مقرب خدا هم‌نوا می گردد؛ به مختصر دعا و نیایش، خود را قانع نسازد و متذکر این معنی باشد که این توفیق همواره رفیق و نصیب انسان نمی شود و اکنون باید کاملاً از آن قدردانی نمود.

بالاخره، بعد از انجام این مراسم و برنامه‌ها به ناحیه بالای سر مبارک امام علیه السلام بیاید؛ رو به قبله کند و به دعا و نیایش و راز و نیاز با خدا بپردازد که این خود نتیجه ی آن زیارت و روی آوردن به امام معصوم علیه السلام است.

۵. خامسها الزیارة بالمأثور و یکفی السلام و الحضور

پنجمین مطلب، زیارت کردن به صورتی است که در آثار اهل بیت عصمت علیهم السلام و علمای بزرگوار شیعه آمده و به دست ما رسیده است و کفایت می کند که انسان در آن مکان مقدس حضور پیدا کرده و عرض سلام کند.

و راستی زیارت‌های مأثور چه عبارات دلنشین و چه فقرات روح افزا و دلنوازی است و چه الفاظ پربرار، سازنده و تربیت



کننده‌ای دارد.

این زیارت‌نامه‌ها آن‌چنان است که زایر را در حال و هوای ملکوتی خاصی می‌برد و انسان در حال قرائت آن، خویشتن را در محضر امام و در حال مخاطبه با ولی اعظم خدا می‌بیند.

به راستی این زیارت‌نامه‌ها، سخن دل و حرف درون میلیون‌ها انسان علاقه‌مند و دل‌داده است و زایر با خواندن این فقرات و عبارات، رازهای درونی خود را به امام معصوم‌اش می‌گوید و به حق، دریغ است اگر انسان در آن مکان‌های مقدس و نورانی از خواندن آن زیارت‌نامه‌ها محروم بماند.

برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام زیارت‌های اختصاصی متعددی است که برخی مختصر و بعضی طولانی‌اند. و نیز زیارت‌هایی داریم که هر یک از امامان را می‌توان با آن زیارت کرد؛ مانند زیارت «امین الله» و زیارت «جامعه کبیره». به حق انسان می‌تواند در حرم مطهر و کنار قبر حجت الهی با خواندن این عبارات و فقرات روحبخش و روان‌پرور، بهره‌های وافر ببرد.

مع ذلک اگر انسان، حال قرائت این زیارات را نداشته باشد می‌تواند به حضور در آن مکان مقدس و سلام کردن به صاحب روضه‌ی منوره و بقعه‌ی سامیه اکتفا کند.

مثلاً در زیارت امام هشتم بضعه‌ی سید الوری حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء می‌تواند بدین جمله مبارکه اکتفا کند و بگوید:

صلى الله عليك يا ابا الحسن صلى الله على روحك و بدنك
صبرت و انت الصادق المصدق قتل الله من قتلک بالایدی و الالسن



۶. سادسها صلاة ركعتی الزیارة عند الفراغ فان كان زائراً للنبی
 ﷺ ففي الروضة و ان كان لاحد الائمة عليه السلام فعند رأسه و لو
 صلاهما بمسجد المكان جاز...

ششمین ادب زایر، دو رکعت نماز زیارت بعد از فراغ از
 زیارت و پایان یافتن آن است؛ حال اگر زایر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله باشد
 آن دو رکعت نماز رادر روضه پیامبر می خواند و اگر زایر یکی از
 امامان عليه السلام باشد در نزد سر مبارک به جا بیاورد و اگر این نماز
 را در مسجد آن مکان بخواند کافی است.

راستی چه حسن ختامی؛ بعد از پایان زیارت ولیّ خدا، نماز
 زیارت خوانده می شود تا همه بدانند که مآل کار، ذات لایزال
 الهی است و زیارت ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
 دریچه ای به سوی خدا و وسیله ای الی الله است؛ باید از مسیر آن
 عزیزان به خدا متصل شد؛ رو به دربار الهی آورد و در پیشگاه
 مقدس او به بندگی ایستاد و برای او پیشانی را به خاک مذلت
 سایید.

آری زیارتی که با بسم الله و باذن الله آغاز می شود باید با نماز و
 رکوع و سجود در برابر ذات اقدس خداوندی پایان پذیرد که اول
 خداست و آخر نیز خداست تا کسانی که از رهگذر جهل، عناد
 و عصبیت جاهلیت، زیارت مرقد ائمه طاهرین را شرک به خدا
 می دانند رسوا شوند و همه بدانند این گونه کلمات، شعارهایی
 است که اعداء آل محمد به این افراد خشک و جامد می آموزند تا
 از این مسیر، منافع مادی خویشان را تأمین کنند؛ این کوردلان کم
 درک نیز سخن نسنجیده ی آنان را تکرار می نمایند. اما پاسخگوئی
 گروهی از آن هاست که هنوز بهره ای از درک و وجدان دارند،



همین مطلب است که: دعا، زیارت، توسل و غیر آن‌ها همه از منبع توحید و یگانه‌پرستی و خداجویی نشأت می‌گیرد و انجام می‌پذیرد.

۷. **سابعها الدعاء بعد الركعتین بما نقل و الا فیما سنح له فی امور دینه و دنیاہ و لیعم الدعاء فانه اقرب الی الاجابة**
هفتمین ادب از آداب زائر این است که بعد از انجام دو رکعت نماز زیارت، دعا کند و دعا‌های مأثور و منقول از ائمه و بزرگان دین را بخواند و اگر آن قبیل دعاها میسر نشد هر دعایی که به نظرش آمد در رابطه با امور دین و دنیایش بخواند و دعا و درخواست خیر را تعمیم دهد و تنها برای خودش دعا نکند بلکه دیگران را در دعای خود داخل بنماید که این‌گونه دعا کردن به اجابت نزدیک‌تر است.

یکی از بهترین اعمال در این حرم‌های مطهر و به خصوص بعد از زیارت و نماز زیارت، دعا کردن است؛ زیرا شرایط و ظروف دعا بسیار مساعد و مناسب می‌باشد حرم مطهر امام معصوم و کنار قبر شریف ولی اعظم خدا آن هم بعد از انجام زیارت و نیز نماز آن، شرایط و زمینه‌های خوبی برای اجابت دعاست؛ از این فرصت، باید ق‌دردانی کرد و مشغول به دعا و نیایش به درگاه الهی شد.
ضمناً دعا بر دو گونه است: یکی دعای مأثور و دیگر دعای مُنشا.

دعای مأثور و زیارات: دعایی است که از خاندان عصمت و طهارت و اکابر دین به ما رسیده و در لابلای کتب ادعیه و زیارات و دیگر کتاب‌ها ثبت و ضبط گردیده است و در دسترس اهل دین و علاقه‌مندان به معنویات قرار دارد.



دعای مُنشأ: دعایی است که انسان، خود انشا می‌کند و حوایج و خواسته‌هایش را با الفاظ خویش به خدای تعالی عرضه می‌دارد. از آن‌جا که امامان و بزرگان دین، آموزگاران دعایی‌اند و بهتر از هر کسی می‌دانند که چگونه و چه چیزی از خدا بخواهند و دعاهای آن‌ها دارای ابعاد و جهات گوناگون است و جامع و شامل می‌باشد؛ پس هنگام نیایش دعاتهایی را که از آنان رسیده و به یادگار در دست ماست باید مقدم داشت؛ علاوه بر این حرم، حرم اهل بیت علیهم‌السلام است و چه خوب است که دعا هم دعای اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

آری! اگر شرایطی پیش آمد که آن دعاهای شریف فراهم نشد و زایل نتوانست از آن ذخایر معنوی و آسمانی استفاده کند البته هر چه از حوایج دنیا و آخرت که به ذهنش آمد به زبان بیاورد و برای رسیدن به آن مقاصد، خدای را بخواند و خواسته‌های خود را ذکر کند و از خداوند درخواست اجابت نماید.

ضمناً دعا و درخواست‌ها را در محدوده‌ی حوایج خویش قرار ندهد بلکه برای دیگران، برادران و خواهران مسلمان، آشنایان، خویشان، همسایگان، گرفتاران و درماندگان نیز دعا کند و مشکلات امت اسلامی را نیز در نظر آورد و اصلاح امور اهل ایمان را از خدای متعال در آن مکان مقدس و حال مخصوص درخواست کند؛ زیرا سهم گردانیدن دیگران در دعای خود موجب آن است که دعای انسان حتی درباره‌ی خویش نیز سریع‌تر به اجابت برسد.

و چه خوب است که انسان در کنار قبر حجت الهی و به هنگام دعا، بندگان خدا را هم از یاد نبرد و رفع مشکلات و اصلاح امور آن‌ها را هم از خدا درخواست بنماید که این خود نشانه قلب



سلیم و پاک است و دعا را به اجابت می‌رساند.
۸. ثامنها تلاوة شیء من القرآن عند الضریح و اهداؤه الی المزور،

و المنتفع بذلک، الزایر و فیه تعظیم للمزور

هشتمین برنامه ی زایر این است که در نزد ضریح مطهر امام معصوم و حجت‌های الهی، مقداری از آیات قرآن کریم را تلاوت کند و آن را به صاحب ضریح و قبر شریف امامی که به زیارتش آمده هدیه نماید. و کسی که از این عمل بهره‌مند می‌شود خود زیارت‌کننده است و البته در این کار، تعظیم و بزرگداشت امامی است که زیارت شده است.

راستی چه ظریف و جالب است که در کنار قبر مطهر حجت خدا، آیات و سوره‌هایی از قرآن تلاوت شود تا به هر دو یادگار به جا مانده از پیامبر اسلام ﷺ تمسک کرده باشد و کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ را با هم برای قرب به خدا وسیله قرار دهد. با این کار بین قرآن و مفسران حقیقی قرآن یعنی خاندان پیامبر، پیوند داده و عملاً وصیت رسول اکرم را زنده داشته و احیا کرده که فرمود: «من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبه‌تر و پربها را در میان شما می‌گذارم.» بنابراین قرائت قرآن در کنار قبر منور حجت بالغه‌ی الهی ندای لیبیک به دعوت و خواسته پیامبر بزرگوار است؛ اثبات عدم جدایی این دو از یکدیگر بوده و انکار و نفی کسانی است که میان این دو یادگار رسول الله ﷺ جدایی انداخته و یکی را گرفته و دیگری را رها کرده‌اند. و چه افتخار آفرین است که سور و آیاتی از قرآن کریم قرائت می‌کند و ثواب آن را به روح مقدس امامی که در حرمش حضور یافته و زیارتش کرده است می‌نماید.



خداوند! این عمل چه نشاط انگیز و رمزدار است! گویا زایر از اهل بیت به سوی قرآن و از قرآن به سوی اهل بیت علیهم السلام می‌رود و اگر زیارت کننده، به اسرار عالی و زیبای این آداب و وظایف، متوجه باشد لذت و انبساط خاطری فراوان به او دست خواهد داد.

آری! از یک سو با این عمل با رسول خدا، بیعت می‌کند و از دیگر سو از هدایت‌های این دو نور بهره می‌گیرد.

۹. **تاسعها احضار القلب فی جمیع احواله مهما استطاع و التوبة من الذنب و الاستغفار و الاقلاع**

نهمین ادب زیارت کننده این است که در تمامی احوالش تا سرحد امکان حضور قلب داشته باشد و از گناهان توبه کند و طلب غفران و آمرزش از خدا بنماید و به کلی خویشتن را از گناه و بدی برکند و جدا سازد.

امیدوار کننده‌ترین حالات برای اهل زیارت و مناجات، حالت حضور قلب است که یک سره متوجه به خدای تعالی باشد و همه فکر و اندیشه خود را در آن نقطه متمرکز سازد. عمل انسان اگر همواره با حضور قلب نباشد پیکری بی‌جان و فاقد روح است. آنچه کار انسان و عبادت و زیارت او را ارزشمند و پربها می‌کند حاضر کردن دل برای خدا و زیارت و نیایشی همراه با توجه قلبی است؛ از این رو باید سعی و کوشش کرد که در همه احوال از ورود، زیارت و دعا تا نماز زیارت و غیر این‌ها همه با حضور قلب باشد و لحظه‌ای این حالت از او سلب نشود.

و نیز زایر از کرده‌های ناروای خود پشیمان باشد؛ احساس شرمندگی کند و تصمیم جدی بر رها کردن گناهان داشته باشد.



تأثیر عمیق توبه و ندامت از گناهان در دعا و زیارت، قابل انکار نیست و سلامی که از قلبی پاک و شستشو شده از گناه برخاسته و تقدیم حضور امام معصوم علیه السلام و قبر مطهر ولی خدا شود بسیار با ارزش است؛ این چنین سلام و زیارتی مقبول و مبارک بوده در خور جوابی شایسته و قرین عنایت الهی است.

۱۰. عاشرها التصدق علی السدنة و الحفظة للمشهد و اکرامهم و

اعظامهم فان فيه اکرام صاحب المشهد علیه الصلاة و السلام

دهمین مطلب از آداب زایران این است که به کلیدداران و نگهبانان حرم مطهر انفاق کند و در بزرگداشت و احترام و اعظام آنان کوشش نماید؛ زیرا در گرامیداشت آنان اکرام و بزرگداشت صاحب آن قبر منور و ضریح مطهر است.

آری! نگهبان صحن و حرم الله، خادمان و کارکنان آن مکان مقدس مفتخرند که خدمتگذار حرم و صحن و سرای حضرات معصومین علیهم السلام می باشند و همواره مباحثات می کنند که به آن بزرگواران انتساب دارند.

آنان پیوسته با این مکان های مبارکه در ارتباط اند؛ همواره در آن مهابط وحی و الهام الهی رفت و آمد می کنند؛ زمینه های مساعد و لایق شأن امام علیه السلام را برای واردین فراهم می کنند و شرایط مناسب برای زایران را آماده می نمایند؛ پس جا دارد کسی که به عنوان زایر و به قصد زیارت این روضه منور و آستان ملائک پاسبان آمده علاوه بر کمال ادب و تعظیم آن مرقد مبارک و شریف، در احترام و ادب نسبت به خادمان، دربانان و محافظان آن حرم ملکوتی کوتاهی نکند؛ زیرا یکی از انواع اکرام و تعظیم امام معصوم و قبر مطهر و روضه ی مبارکه آن بزرگوار، احترام و



اجلال خادمان و دربانان اوست و اگر با توجه به همین نکته آنان را احترام نماید، به آن‌ها هدیه بدهد و انفاق کند از اجر و پاداش بزرگ و عظیمی برخوردار خواهد شد.

۱۱. و حادی عشرها انه اذا انصرف من الزيارة الى منزله استحبه له العود اليها مادام مقيماً فاذا حان الخروج ودّع ودعا بالمأثور و سأل الله تعالى العود اليه

یازدهمین چیزی که به جاست زایر قبور امامان بزرگوار و معصومین پاک مراعات کند این است که چون زیارت کرد و به منزل خود بازگشت مستحب است تا در آن و شهر زیارتی هست دوباره به روضه منوره حرم مطهر بازگردد و چون هنگام بیرون آمدن از آنجا فرا رسید و عزم مراجعت به شهر خود کرد با عبارات مأثور و منقول از بزرگان دین، آن مضعج منور را وداع نموده و دعا کند و از خدای تعالی بازگشت به آن مکان مقدس را درخواست بنماید.

آری! کسی که بنا دارد مثلاً سه روز یا یک هفته در مشهد مقدس بماند اکتفا به یک بار و یا دو بار زیارت ننماید بلکه هر روز و هر شب اگر امکان داشته باشد عمل مبارک خود را تکرار کند و هر بار که مشرف می‌شود تصمیم داشته باشد تا بار دیگر هم بیاید و روضه‌ی منوره و حرم مطهر آن امام همام را زیارت بنماید و تا از مسافرت مراجعت نکرده اوقات را غنیمت بشمارد و مکرراً زیارت کند.

و چون ایام اقامت سپری شد و اراده‌ی بازگشت نمود زیارت وداع یعنی آخرین زیارت خود در این سفر را انجام دهد؛ با قبر مطهر و روضه‌ی منوره امام و حجت الهی، خداحافظی کند؛ با



محبوب خود و مایه امید خود، راز دل بگویند و با دعاهای وارد شده این مراسم را به پایان برسانند. و به ویژه در زیارت وداع متذکر این معنی باشد که شاید این آخرین زیارتم باشد و دیگر هرگز این سعادت را نیابم و پیوسته با چشم گریان و دل سوزان بگویند:

لا جعله الله اخر العهد من زیارتی لمشهد ابن بنت رسولک

خداوندا! این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده. و از خدا درخواست کند که توفیق برگشت و زیارت آن مهبط انوار الهی رانصیبش گرداند.

۱۲. و ثانی عشرها ان یکون الزاير بعد الزيارة خيراً منه قبلها فانها تحط الاوزار اذا صادفت القبول

دوازدهمین مطلب از آداب مخصوصه آن است که زایر بعد از زیارت بهتر از زمان قبل از زیارت باشد؛ زیرا این زیارت اگر به مرحله قبول برسد و رز و وبال گناهان آدمی را می‌ریزد. این نکته بسیار مهم و قابل توجه است و از بهترین و شاخص‌ترین آداب و وظایف زایر قلمداد می‌شود.

زیارت‌کننده باید بکوشد که زمان بعد از زیارت او نسبت به زمان قبل از زیارتش تفاوت داشته و فرق کرده باشد و زیارت قبر شریف ولی خدا او را تکان داده و متحول ساخته باشد. اگر این معنا در هر مرتبه زیارت او مراعات شود با یک سفر کوتاه زیارتی به کلی خود را از حسیض گناه، جهل، فساد و انواع شرک‌ها رهایی بخشد و به این ترتیب، زیارت او یک زیارت واقعی، خداپسندانه و مطلوب و پربار باشد و زیارت سازنده همین است که وقتی انسان از آن فراغت یافت احساس کند



که غرور، کینه‌توزی، حرص، حسد، کبر، عجب، خودخواهی، خودبینی و خودپسندی او به کلی از بین رفته است و حقیقت دعوت بزرگان دین به زیارت به همین مطلب باز می‌گردد.

۱۳. و ثالث عشرها تعجيل الخروج عند قضاء الوطر من الزيارة لتعظيم الحرمه و يشتد الشوق و روى ان الخارج يمشى القهقري حتى يتوارى

سیزدهمین امر که شایسته است زایر مراعات کند این است که چون به خواسته و مراد خود از زیارت رسید و آن را به انجام رسانید آماده خروج شود و برای رفتن شتاب کند تا عظمت حرمت امام علیه السلام را کاملاً رعایت کرده باشد و شوق و رغبت او نسبت به مرقده مطهر و حرم مقدس سخت و نیرومند گردد.

و در روایت رسیده که هنگام خروج از مضجع مطهر ولی خدا حضرت رضا علیه السلام و یا امامان دیگر صلوات الله علیهم اجمعین به صورت قهقرا بیرون بیاید و این گونه مشی را ادامه دهد تا زمانی که از حرم مطهر به کلی دور گردیده و قبر مطهر امام، از نظر او غایب گردد.

آری! کسی که مقدار مطلوب از زیارت را طبق خواسته و اراده‌ی خود انجام داد و تمام کرد و بعد عازم بازگشت است پس بشتابد و زود بار سفر بر بندد و خارج گردد چه بسا اکنون که زیارت را به پایان برده ماندن در آن مکان مقدس، نوعی بی‌حرمتی است که انسان مثلاً در مشهد باشد ولی دیگر اراده و عزم زیارت نداشته باشد. ضمناً ادامه این وضع، اهمیت قضیه را کم می‌کند و از شوق آدمی نسبت به آن مقام معظم و آن مراسم عالی‌ه می‌کاهد.



وگویا مقصود شیخ شهید قدس سره از این که فرمود: «در روایت رسیده...» مطلبی است که در ذیل روایت ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام رسیده که می‌فرماید:

فاذا خرجت فلا تول وجهك على القبر حتى تخرج^۱

پس هنگامی که خارج می‌شوی پشت خود را به قبر ممکن تا زمانی که خارج شوی.

در ذیل این بحث تذکر می‌دهیم که این مطلب اخیر در شرایط عادی است ولی در ازدحام جمعیت و زمانی که مراعات این مطلب، موجب مزاحمت و اذیت دیگران است باید مراعات حال مردم را کرد و برای کسی ایجاد ناراحتی نکرد.

۱۴. و رابع عشرها الصدقة على المحاویج بتلك البقعة فان الصدقة مضاعفة هنالك و خصوصاً على الذرية الطاهرة^۲

چهاردهمین مطلب از آداب زائر آن است که در آن بقعه‌ی مبارکه به حاجتمندان و مستمندان انفاق کند و آن‌ها را از مال خود بهره‌مند سازد؛ زیرا پاداش صدقه و بذل مال در راه خدا در آن مکان مقدس، چند برابر است به ویژه انفاق و احسان بر ذریه‌ی طاهره یعنی سادات و ذراری حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

آری! صدقه بر اهل حاجت و کمک مالی به بینوایان در آن مکان شریف، عملی مقدس است که در مکانی بسیار مناسب یعنی کنار قبر ولی اعظم خدا و امام معصوم مانند حضرت امام علی علیه السلام یا حضرت امام حسین علیه السلام و یا حضرت رضا علیه السلام انجام شده و به اعتبار عظمت مکان، اجر و ثواب آن افزایش

۱. کامل الزیارات، طبع سابق، ص ۲۵۶، ۸۴، وداع قبر حسین بن علی علیه السلام.

۲. الدروس الشرعية، طبع مدرسة النشر الاسلامی، ص ۲۲ و ۲۴.



می‌یابد و از طرفی این خود نحوه‌ای پیروی و تبعیت از آن امام همام و والامقام است. در حقیقت زیارت، مقرون به اطاعت از آن بزرگوار شده است پس طبیعی است که این صدقه و انفاق، از جهت پاداش و ثواب، ممتاز باشد.

و اما ویژگی انفاق بر سادات و ذریه‌ی رسول الله و اهل بیت علیهم‌السلام بسیار روشن است زیرا انفاق و احسان به کسانی است که وابسته به صاحب قبر مطهرند و از خویشان، بستگان، فرزندان و ذراری آن بزرگوار قلمداد می‌شوند. این انفاق از امتیاز بالا و اجر بیشتر و فراوان‌تری برخوردار خواهد بود. به تعبیر دیگر علاوه بر زیارت که نوعی بزرگداشت مقام امام علیه‌السلام و تعظیم رتبه والای اوست که طبعاً موجب شادی آن امام معصوم می‌گردد احسان و نیکی به اهل حاجت از ذراری رسول الله نوعی دیگر از بزرگداشت برای آن حجت الهی است و طبعاً موجب نشاط و شادی بیشتر آن بزرگوار خواهد بود.

شایان ذکر است که فقیه نامدار شیعه مرحوم شهید اول رضوان الله علیه به صورت رسمی چهارده امر را در مورد آداب زایر ذکر فرموده است ولی موارد متعددی از این چهارده امر متضمن چند مطلب و چند ادب از آداب زایر است و اگر با دقت هر کدام از دیگری جدا شود حدود بیست و پنج نکته خواهد شد.

و با این حال هنوز آداب و حالات دیگری است که در کلمات آن فقیه بزرگ و شهید سعید نیامده است و مرحوم مامقانی رضوان الله علیه در مرقه‌الکمال و دیگران در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند.



دیگر آداب مهم برای زائر

ما در این جا بعضی از آدابی که ظاهراً ذکر نشده یادآوری می‌کنیم:

۱. معرفت و شناخت شخص مزور - یعنی امامی که زیارت کننده به زیارتش آمده - و این عمده شرایط، حالات و آداب زائر است و مقصود آن است که انسان، صاحب آن قبر شریف را امام مفترض الطاعة و شاهد و ناظر اعمال خود بداند.

۲. شناخت آن مکان مقدس و حرم مطهر؛ یعنی بداند که این بقعه منور از بیوت الله است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رَجُلٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...

در خانه‌هایی که خداوند اذن در رفعت آن داد؛ خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبح و شام در آن تسبیح خدا می‌کنند مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و... باز نمی‌دارد.

و در یکی از اذن دخول‌ها می‌خوانیم:

اللهم انّ هذه بقعة طهرتها و عقوة شرفتها و معالم زكيتها حيث اظهرت فيها أدلة التوحيد و اشباح العرش المجيد

خداوند!! به تحقیق این بقعه‌ای است که پاکیزه‌اش کردی و آستانی است که بدان شرف دادی و جایگاه‌هایی است که پاکش داشتی که ادله‌ی توحید و نمونه‌های عرش مجید را در آن ظاهر



گردانیدی.

۳. سخن‌های عَبَث و بیهوده و حرف‌های بی‌فایده را ترک کند؛ زیرا این مکان مقدس بیت الله است و بیت النبی ﷺ و بیت خاندان پیغمبر است. زایر در این حرم‌های مطهر در محضر شریف و مقدس امام معصوم سلام الله علیه قرار دارد و با حجت بالغه‌ی الهی مواجه و روبرو می‌باشد؛ بنابراین باید حد اعلای احترام و اکرام نسبت به آن حرم‌های مطهر را رعایت کرد.

۴. از آداب زیارت این است که انسان کفش خود را در محدوده حرم بلکه نزدیکی‌های آن از پا درآورد؛ این مطلبی است که از قرآن کریم استفاده می‌شود آن‌جا که داستان حضرت موسی و رفتن او به کوه طور را بیان می‌کند می‌فرماید:

«إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»^۱

پس ای موسی! کفش‌های خود را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس (طوی) هستی.

حرم منور امامان معصوم علیهم‌السلام از وادی مقدس طوی و کوه طور کمتر نیست؛ حرم مولایمان حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام و فرزندان پاک او اگر بالاتر از وادی طور نباشد کمتر نیست از این رو باید از حول و حوش ضریح مطهر و بقعه مبارک آن عزیزان پای را برهنه ساخت.

البته این مطلب در مورد امامانی که بقعه و بارگاه دارند مراعات می‌شود بلکه گاهی بعضی افراد از منزلی که در مشهد در آن فرود آمده بودند پا را برهنه کرده و مسافت زیادی را می‌پیمودند ولی در مورد قبور مطهر چهار امام بزرگوار مدفون در بقیع چنین



نیست بلکه با کفش در حرم آن عزیزان خدا وارد می‌شوند و
احیاناً تا نزدیکی‌های قبورمنوره همچنان با کفش‌اند و پوشش پای
خود را بیرون نمی‌آورند.

باید توجه داشت که هر چند در اطراف و نواحی قبور این
چهار امام بزرگوار، فرش و وسایلی نیست؛ جدار و ضریحی
به چشم نمی‌خورد و روضه و بارگاهی نیست؛ زیرا گنبد و
بارگاه آن انوار طیبه به دست وهابیون و سلفی‌های از خدا بی‌خبر
ویران شده است ولی شرط حرم، فرش و وسایل و ابزار فراوان
و با شکوه نیست؛ پس باید حرمت حریم آن بزرگواران را نگاه
داشت.

۵. در آن حرم‌های مطهر و بقعه‌های شریف صدا را بلند نکنید؛
زیرا این حرم‌های مطهر مثل خانه و مرقد پیامبر است که خدا
درباره آن می‌فرماید:

«لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی»

صدای خود را بالاتر از صدای پیامبر نگیرید.

چون انوار طیبه‌ی امامان، اوصیای آن بزرگوار و پاره‌های تن آن
حضرت هستند حکمی که در مورد آن حضرت است درباره‌ی
آنان نیز جریان دارد. آن عزیزان خدا، حاضر و ناظرند؛ بنابراین
نباید در حضور ایشان صدا را بلند کرد که این خود سوء ادب و
خلاف اخلاق فاضله است و نوعی بی‌حرمتی نسبت به آن ذوات
مقدسه و انوار قدسیه به حساب می‌آید.

بنابراین باید صدای خود را چه در مقام خواندن اذن دخول و
زیارت و چه به هنگام دعا و مناجات و اذکار مقدس و تلاوت
قرآن، پایین آورد.



۶. از جمله آداب زایر آن است که در طول سفر یعنی از هنگام حرکت تا رسیدن و فرود آمدن در کنار قبه‌ی سامیه از خلاف شرع بپرهیزد و به واجبات الهی سخت اهتمام بورزد. به خصوص مواظبت داشته باشد که نمازش در اثناء راه از بین نرود و قضا نشود بلکه نمازها را هر کدام سر وقت انجام دهد. این برای زایر قبر معصومین زشت و زنده است که در راه زیارت آن بزرگواران اعتنا به نماز نداشته باشد و آن را ترک کند و با بهانه‌های واهی و سست - مثل این که نماز خواندن در قطار مشکل است یا در هواپیما نمی‌شود نماز خواند و یا امثال آن - نماز خود را ترک کند.^۱

و نیز در مسیر زیارت از نگاه کردن به نامحرم و نظر نمودن به زنان و دختران دیگران و مراوده و گفتگو با نامحرمان سخت اجتناب کند که خطر عظیم او را تهدید می‌کند و ممکن است در سفر زیارت در ورطه‌ی بلا بیفتد و آلوده به زنا و بی‌عفتی گردد. در همین راستا باید عرض کنم برای رفتن به زیارت باید سخت مواظب محرم و نامحرمی بود؛ نکند در قطار یا هواپیما یا اتوبوس این مرزها و حریم‌ها شکسته شود؛ با کمال تأسف برخی مهمانداران زن هواپیما با آرایش تند و صورت باز و گاهی کشف قسمتی از مو در هواپیما مشغول انجام کارها و خدمت رسانی هستند اگرچه ادب و احترام نسبت به مسافران را خوب رعایت می‌کنند.

از سوی دیگر مردان عموماً و جوانان بالخصوص بدانند که

۱. چقدر جای شرمندگی است که گاهی نقل می‌کنند که قطار در ایستگاه توقف می‌کند و از میان یک جمعیت انبوه و فراوان فقط سی نفر یا پنجاه نفر مثلاً برای نماز پیاده می‌شوند و گویا نماز برایشان هیچ اهمیتی ندارد.



هیچ عذری ندارند که به آن‌ها خیره شوند و نگاه‌های متعاقب و مریبانه کنند و سر صحبت و شوخی با آن‌ها باز نمایند. همچنین اگر در میان مسافران و سرنشینان هواپیما زنان بی‌مبالات و دختران بی‌تقوایی باشند که خود را ساخته و پرداخته باشند و بی‌باکانه خود را در معرض دید دیگران قرار داده‌اند جوانان متعهد از نظر کردن به آن‌ها و مراوده و ارتباط و شوخی کردن با آن‌ها پرهیزند و سفر زیارتی خود را سفر گناه و معصیت قرار ندهند. و نیز در قطار و اتوبوس‌ها این مطالب را رعایت کنند. البته باید در همه سفرها مراعات این امور شرعی و الهی را بکنند ولی سفر زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و کلاً سفر زیارتی امتیاز دارد و باید جداً از این برنامه‌های مخرب و منحرف کننده سخت احتراز داشته باشند.

و نیز از این که چند نفر که با هم نامحرم‌اند - هر چند از یک خانواده باشند - با یک ماشین مسافرت کنند، پرهیزند.

دوست محترمی از صلحای قم می‌گفت: «دامادم با همسرش، دوست او نیز با همسرش، با اتومبیل شخصی خود به مشهد مشرف شدند؛ من از این موضوع ناراحت بودم که چرا دو مرد جوان با دو زن جوان و نامحرم مسافرت کردند. در بازگشت دخترم برای دیدن من آمد اما او را نپذیرفتم و اظهار ناراحتی کردم که چرا با مرد نامحرم در یک اتومبیل شخصی به سفر رفته است. او اظهار ندامت و نگرانی از کار خود کرد و آن‌گاه او را پذیرفتم. در این جا اذهان جامعه اسلامی از مرد و زن، دختر و پسر را به این حدیث شریف جلب می‌کنم و از همه آن‌ها می‌خواهم به حرمت حضرت رضا علیه السلام که خود این حدیث یا اقلاً مضمون



آن را در ذهن بسپارند.

رسول اکرم ﷺ فرمود:

باعدوا بین انفاس الرجال و النساء فان كانت المعاينة و اللقاء کان الداء الذی لا دواء له^۱

میان نفس‌های مردان و زنان فاصله ایجاد کنید و دوری ایجاد نمایید پس اگر همدیگر را ببینند و با هم ملاقات کنند مرض و بیماری‌ای است که دوا ندارد!!

امت اسلامی مواظب دختران و پسران خود باشند؛ مبدا به قصد ثواب و اندوختن پاداش الهی به زیارت بروند ولی در اثر مراعات نکردن احکام الهی و مقررات مذهبی با کوله باری از گناه بازگردند و به جای تقرب و نزدیک شدن به ساحت قدس ولی خدا، قلب مبارک آن حجت بالغه‌ی الهی را از خود رنجانیده و خویشتن را مشمول نفرین آن بزرگوار قرار داده باشند.

و نیز به دختران مسلمان توصیه و از آن‌ها درخواست می‌کنیم که در خیابان‌های مشهد و یا در صحن‌های شریف با صورت باز و آرایش کرده و لباس‌ها و مدهای برگرفته از اجانب ظاهر نشوند که ممکن است مورد نفرین حضرت رضا علیه السلام واقع شوند. و نعوذ بالله من ذلک

مردانی که با زنانشان مشرف می‌شوند خصوصاً جوانانی که تازه ازدواج کرده‌اند غیرت اسلامی خود را حفظ کنند؛ همسر خود را با رو و موی باز و آرایش کرده در خیابان‌ها نگردانند و بترسند که ممکن است مقدراتشان در همین سفر به بدی، بلا و گرفتاری شخصی، تصادف، حریق و بیماری لاعلاج رقم بخورد.



از خدای متعال می‌خواهم که سفر زیارتی آنان این چنین نباشد.
۷. از آداب مهم سفر مقدس زیارتی این که در اثناء مسافرت زیارت و در بین راه از ضایع کردن مال مردم و دزدی از باغات آنان و خلاصه از تصرفات عدوانی باید سخت احتراز کرد؛ هرگز زیارتی که همراه با این کار باشد پذیرفته نخواهد شد و اگر چنین جریان‌ی پیش آمد باید با جدیت تمام در پی جبران آن برآمد.

در ماه رجب سال ۱۴۲۸ در سفر مشهد مقدس، شخصی میانسال و محترم در مسجد گوهرشاد جلو آمد و گفت: «مسأله‌ای دارم.» گفتیم: «بفرمایید.» گفت: «من با اعضای خانواده با ماشین شخصی، به مشهد مشرف شدیم. در بین راه بچه‌ها مقداری از میوه‌های یکی از باغ‌ها مانند انگور و گوجه و غیر این‌ها را چیده‌اند و هنوز هم قسمتی از آن باقی مانده است. اکنون چه کنیم؟»

گفتم: «باید صاحب باغ را شناسایی کنید و هر مقدار از مال او را که برداشت کرده‌اید جبران نمایید و یا جلب رضای او را بکنید.»

گفت: «این ممکن نیست؛ زیرا آن باغ در سمنان بوده و شناسایی صاحبش ممکن نمی‌باشد.» گفتم: «پس قیمت مقداری را که برداشت کرده‌اید از طرف صاحبش صدقه بدهید.»

گفت: «با باقیمانده میوه‌ها چه کنم؟»

گفتم: «آن را هم به نیت صاحبش به شخص فقیری بدهید.»
به هرحال ترک هر واجبی از واجبات الهی و انجام هر حرامی از محرمات پروردگار بزرگ، منافی با زیارت و منحل به قبولی آن است و از تقرب زایر به ساحت والای حضرت رضا علیه السلام و دیگر شخصیت‌های آسمانی که انسان عزم زیارتشان را کرده



ممانعت می‌کند.

۸. تا ممکن است تشریف او به حرم مطهر و زیارت، مقصد اصلی و هدف کلی او باشد و آن را با کارهای دیگر مخلوط و ضمیمه نکند بلکه اصل مسافرت خود را مادی ننماید.

دوست عزیز و با فضیلتی داشتیم. در یکی از سفرهایی که به مشهد مشرف شدم کتابی در دست چاپ داشتم و بنا بود که ایشان آن را چاپ کنند. گویا تلفنی برای گفتگوی مربوط به کتاب پیشنهاد کردم که در صحن مطهر با ایشان ملاقات کنم ولی آن انسان شریف گفت: «من در آنجا برای کاری جز زیارت نمی‌روم و فقط برای زیارت در آنجا حضور می‌یابم!»

۹. این که از ازدحام جمعیت که در نتیجه نمی‌توان نزدیک به ضریح شود نگران نباشد بلکه خدا را شکر کند که دل‌ها این گونه در هوای حضرت رضاست که خداوند ثواب نزدیک شدن و بوسیدن ضریح را به او خواهد داد.

۱۰. بر سر مکان عبادت و زیارت مجادله نکند؛ بلکه ایثار کند و خود در مکان دورتری جا بگیرد و مراعات ادب کند که خداوند اجر بیشتر به او خواهد داد. و نیز در نماز خواندن و زیارت برای کسی ایجاد مزاحمت نکند و آرام‌تر بخواند.

۱۱. و از آداب لازم زایر این است که مردم شهر زیارتی مانند اهل مشهد یا اهل کربلا و نجف و دیگر مراکز زیارتی را احترام کند و با ادب کامل با آنان مواجه شود؛ مبادا از وضع زایران و برخورد ناشایست برخی از آنان به تنگ بیایند و یا از زایری خاطره بدی در ذهنشان بماند بلکه باید چنان با آن‌ها رفتار کرد که همواره ذکر خیر زایران کنند. بالاخره باید توجه داشت که برای



مثال، اهل مشهد مجاوران همیشگی محبوب ما حضرت رضا علیه السلام هستند و از این رو در خور احترام‌اند؛ البته مجاوران نیز باید از زایران حضرت رضا علیه السلام تقدیم و احترام کنند.

آری! اگر زایران قبر مطهر حضرت رضا علیه السلام و یا دیگر عزیزان خدا صلوات الله علیهم اجمعین بکوشند که این شرایط و آداب را تأمین و فراهم نموده و در وجود خود حاکم سازند امید آن می‌رود که حتی یک زیارت مختصر از آن بزرگوار و دیگر حضرات معصومین علیهم السلام اثر کلی و چشم‌گیر داشته باشد و بدین وسیله انسان، مشمول عالی‌ترین الطاف و عنایات حضرت ثامن الائمه علیه السلام و آباء پاک و ابناء گرامی آن سرور اختیار قرار بگیرد؛ گره‌های کور و باز نشدنی زندگی او از این رهگذر باز شود و درها و دریچه‌هایی از رحمت و ویژه‌ی خداوند سبحان به قلب او گشوده گردد که برای همیشه از آن محظوظ و برخوردار باشد همواره احساس نشاط و انبساط در درون خود بنماید و خویشتن را در ارتباط با خدای رحمان و رحیم و اولیای گرامی او ببیند و از این احساس، مقدس‌بهرترین لذت‌ها را از حیات و زندگی پرمعنای خود ببرد.





بخش پنجم

زیارتی مختصر و پربار از حضرت رضا علی‌س‌

در این جا مناسب است که زیارتی مختصر از مولی الوری حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را ذکر کنیم تا هر جا که هستیم چه در کنار قبر مطهر آن سید ابرار و چه در نقاط دور دست، مولای عزیز خود را بدان زیارت کنیم و اگر مجال زیارت‌های مفصل و طولانی نداریم به این زیارت مختصر اکتفا نماییم. انشاء الله آن حضرت، این عرض ادب ناقابل را ما به ساحت مبارکشان با بزرگی و رأفت و رحمت خاص خود که شعبه‌ای از رحمت بیکران الهی است بپذیرند و بالاتر این که زیارت‌مان موجب جلب رضا و خشنودی خاطر مبارک آن بزرگوار گردد؛ پیام روح‌بخش رضایت و خشنودی خود را به گوش جان ما برسانند و به قلب ما الهام بفرمایند و ما را مشمول دعای خیر خودشان قرار بدهند که البته این مطالب از ساحت مقدس، مقام منیع و شأن والا و رفیع آن بزرگوار دور نیست. صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه الطاهرين



ابن قولویه از علمای بزرگ و متقدم شیعه از بعضی از ائمه طاهرين علیهم السلام روایت کرده که فرمودند: چون نزد قبر امام رضا علیه السلام بروی بگو:
اللهم صل علی علی بن موسی الرضا المرتضى الامام التقى النقی
وحجّتک علی من فوق الارض و من تحت التری الصّدیق الشّهید
صلاة كثيرة تامّة زاكية متواصلة متواترة كافضل ما صليت علی
احد من اولیائک

پیش از این - یعنی در ذیل ادب پنجم از آدابی که شیخ شهید ذکر فرموده بود - زیارتی مختصرتر نیز برای حضرت رضا علیه السلام ذکر شد.

عرض ادب شاعران به آستان مقدس حضرت رضا علیه السلام

شعرا و ادیبان از اهل ولا هر کدام با لطافت شعری و زیبایی سخن خود به آستان مقدس حضرت رضا علیه السلام عرض ادب و اخلاص کرده‌اند؛ مراتب عرفان و شناخت آنان نسبت به وجود پاک حضرت رضا و آباء گرامی و اجداد طیبین آن حضرت در تعبیرات و لطایف و ظرایفی که در شعر و سخن خود به کار برده‌اند کاملاً نمودار است. در این میان بعضی از علمای بزرگ و از مراجع عالی مقام نیز به آستان قدس حضرت رضا علیه السلام عرض ادب و اخلاص کرده و اشعاری نغز و با لطافت سروده‌اند و اثر ویژه‌ای دارد.

از جمله یکی از بزرگان معاصر تحت عنوان «شرح اشتیاق»، قطعه‌ای جالب دارند:

الا باد صبا ای پیک عشاق
 پیامی بر از این مهجور مشتاق
 به سوی خطّه‌ی قدس خراسان
 به طور پور موسی قطب امکان
 به سوی مقصد پاکان و خاصان
 به سوی قبله‌ی ارباب عرفان
 به سوی کعبه‌ی اصحاب حاجات
 به دار معجزات و خرق عادات
 مکان علم و توحید و فضیلت
 مقرّ پیکر پاک حقیقت
 به درگاه رضا علیه السلام سبط پیمبر صلی الله علیه و آله
 غیاث خلق عالم، غوث اکبر



رواقش رشک فردوس برین است
هواش مشک بیز و عنبرین است
رضا علیه السلام شاهنشہ ملک فضایل
ستوده سیرت و نیکو خصایل
جهان مکرمت، مصباح بینش
سپهر مرحمت، دریای دانش
امام مشرق و مغرب شه دین
مکان عزت و اجلال و تمکین
فروزان مهر پر نور ولایت
درخشان در دریای امامت
جمال الله و وجه الله اعظم
ولی الله و سرّ الله اقوم
سلامم را نما تقدیم کویش
مشام جان معطر کن ز بویش
بگو «لطفی» غمین و دل فکار است
جدا از روضهات محزون و زار است
ز هجرم آن چنان اندر تب و تاب
که ماهی آن چنان در خارج از آب
الا ای مظهر الطاف باری
ز درگاه تو خواهم رستگاری
خجسته درگهت باب نجات است
وز آن خلق جهان را بس صلوات است
خوشا حال نکوی خادمانش
خوشا حال حضور زائرانش



خوشا آنان که آنجا در نمازند
خوشا آنان که در راز و نیازند
الا ای معدن لطف و عنایات
الا ای مرکز جود و کرامات
از این بار غم و این نار هجران
خلاصی ده مرا ای رکن ایمان
قبولم کن که سر تا پا خطایم
گدای کوی احسان شمایم



دعا و نیایش زایر

بارخدا یا! به حرمت پیامبر ﷺ و خاندان پاکش زیارت قبور آن عزیزان را با معرفت کامل نسبت به آن ذوات مقدسه و با همه آداب و شرایط نصیب ما بگردان.

خداوند! ما را به زیارت آن عزیزان و سرافرازان بارگاه قدس، بدان گونه که موجب رضای تو و خشنودی آن بزرگواران است موفق بدار.

پروردگارا! ما را از آثار و برکات بی شمار زیارت اولیاء بزرگوارت در دنیا و آخرت بهره مند گردان و همان گونه که زیارت قبر منورشان را نصیب فرموده و می فرمایی ما را از شفاعتشان در آخرت و از جوار آنان در بهشت نیز بی نصیب مفرما.

پروردگارا حوایح همه زوار قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام را برآورده فرما و آنان را با حاجات روا شده به شهرها و منازلشان برگردان.

خداوند! مملکت شیعه، ایران را از خطر حوادث و از شر اشرار داخلی و خارجی مصون و محفوظ بدار و به جوانان ما الهام خیر بفرما.

خداوند! همان گونه که مولایمان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام وعده داده اند که در مواقع مشکله روز قیامت از زایران خود

دیدار کنند ما را زایر واقعی آن بزرگوار و آباء طاهرین و ابناء طیبین آن حضرت قرار ده؛ آن انوار طیبه را در شداید و سختی های جهان آخرت

به فریاد ما برسان و به برکت آن ها ما را از آن مواقف خطرناک و جانکاه به راحتی برهان و به جوار رحمت خود برسان.

قم، حوزه علمیه

علی کریمی جهرمی

ذی القعدة ۱۴۲۸ هـ ق



منابع

۱. قرآن کریم .
۲. آملی، عبدالواحد، مترجم محمد علی انصاری قمی، غررالحکم و درر الکلم، چ تهران.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، از ژرفای نماز.
۴. خمینی، سیدروح‌الله، سرالصلوات، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۵. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، مرکز نشر کتاب.
۶. الامام الرضا، علی بن موسی، فقه الرضا علیه السلام، مشهد: الموتر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
۷. رضی، محمد بن احمد (ذی المناقب) ترجمه فیض الاسلام، نهج البلاغه، تهران ۱۳۹۲ ه.ق.
۸. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۹. شببانی، ابی عبدالله، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، ثواب الاعمال، تهران ۱۵۴.
۱۱. همان، کتاب الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.
۱۲. همان، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. همان، من لا یحضره الفقیه، بیروت: دارالصعب.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، کتابفروشی اسلامیه.
۱۵. عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء



- التراث العربي، الطبقة الخامس، ١٤٠٣هـ.ق.
١٦. عطاردى، عزيزالله، مسند الامام الرضا، مؤسسه طبع و نشر
آستان قدس رضوى، ١٤٠٦هـ.
١٧. غزالى، ابى حامد محمد بن محمد، احياء علوم الدين، بيروت:
دارالكتب العلميه.
١٨. فيض كاشانى، محسن، المحجبه البيضاء، تهذيب الاء احياء، قم:
انتشارات اسلامى.
١٩. قمى، شيخ عباس، مفاتيح الجنان.
٢٠. منتهى الامال.
٢١. كلينى، محمد بن يعقوب، الاصول من الكافى، بيروت:
دارصعب.
٢٢. ملكى تبريزى، ميرزا جواد، ترجمه رضا رجب زاده، اسرار
الصلاة، تهران پیام آزادى.
٢٣. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت: مؤسسه الوفا،
١٤٠٣.
٢٤. نراقى، ملا احمد، معراج السعادة، تهران: علميه اسلاميه.
٢٥. نراقى، محمد مهدى، جامع السعادات، قم: دارالتفسير.
٢٦. هندى، على بن حسام الدين، كنز العمال فى سنن الاقوال و
الافعال.



فهرست آثار چاپ شده مؤلف

آثار عربی

۱. العترة و القرآن
۲. امیر المؤمنین فی وصف الواصفین
۳. جذبات نهج البلاغه
۴. الدر المنضود فی احکام الحدود، در سه جلد
۵. نتایج الافکار فی نجاسة الکفار
۶. صلاة الجمعة فی غيبة الحجة
۷. حول مسائل هامة من قضاء التراقی
۸. مع المحقق الاردبیلی فی مسائل من الفقه
۹. الصيام و شهر رمضان المبارک
۱۰. مع معلم الاخلاق فی صفحات المكاسب
۱۱. المقدس الاردبیلی اضواء علی حياته و شخصيته
۱۲. مقتطفات بقية السلف
۱۳. صورة موجزة من حياة المرجع الكبير السيد گلپایگانی
۱۴. حياة آية الله آیت اللهی الجهرمی



آثار فارسی

۱۵. رازهای آسمانی، تفسیر سوره حدید
۱۶. نظام اخلاقی اسلام، تفسیر سوره حجرات
۱۷. تجلی انسان در قرآن، تفسیر سوره انسان
۱۸. نمونه‌هایی از تأثیر و نفوذ قرآن
۱۹. شناخت قرآن از رهگذر قرآن

۲۰. سیمای عبادالرحمان در قرآن
۲۱. چهره‌های محبوب در قرآن
۲۲. قرآن و هدایت اندیشه‌ها
۲۳. مبارزه طاغوتیان با قرآن
۲۴. جاذبه‌ی قرآن
۲۵. دختر و پسر نمونه در قرآن
۲۶. نشانه‌های او در قرآن
۲۷. یکصد و یک پیام از قرآن
۲۸. اولیاء الله در قرآن و روایات
۲۹. جهان اسلام و مسئله‌ی تحریف
۳۰. صراط مستقیم در قرآن
۳۱. دولت قرآن (درآمدی بر پیام‌های اخلاقی قرآن)
۳۲. خاطرات قرآنی
۳۳. بهار جانها (دعاهایی منتخب و مأثور از بزرگان دین)
۳۴. شوق دیدار (نگرشی بر آثار و آداب زیارت)
۳۵. سیری گذرا در سیره‌ی رسول الله ﷺ
۳۶. سیمای قرآن در نهج البلاغه
۳۷. سیمای امام علی علیه السلام در نهج البلاغه
۳۸. سیمای پرهیزکاران (پیرامون خطبه متقین از نهج البلاغه)
۳۹. به سوی مدینه فاضله (شرح نامه حیات بخش امام علی علیه السلام
به امام حسن علیه السلام)
۴۰. هشداری از امیرمؤمنان علیه السلام به فرماندار بصره (پیرامون نامه
عثمان بن حنیف)
۴۱. چشمه‌سار تربیت علوی علیه السلام (نگرشی بر اخلاق از منظر



- امیر مؤمنان علیه السلام و نهج البلاغه)
۴۲. اشعه‌ی حیات از بستر شهادت (شرح آخرین وصایای حضرت علی علیه السلام)
۴۳. جرعه‌ای از چشمه سار غدیر
۴۴. سیره و سخن فاطمه علیها السلام
۴۵. در ستایش فاطمه علیها السلام (مروری بر ثناگویی از حضرت صدیقه کبرا علیها السلام در محفل ملکوت)
۴۶. ریحانه‌ی محمد صلی الله علیه و آله و سلم، امام حسن مجتبی علیه السلام
۴۷. سیمای امام حسین علیه السلام
۴۸. در مکتب امام حسین علیه السلام
۴۹. مهر ولایت از آسمان ایران (نگرشی بر زندگانی و ابعاد شخصیتی حضرت رضا علیه السلام)
۵۰. عقیده‌ی بنی هاشم، زینب علیها السلام
۵۱. تکرار حماسه علی در خطبه زینب علیها السلام
۵۲. بانوی ملکوت، حضرت معصومه علیها السلام
۵۳. عنایات مهدی موعود به علما و مراجع تقلید
۵۴. مهدی مقتدای مسیح علیه السلام
۵۵. حقوق فراموش شده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۵۶. به یاد مهدی زهرا علیها السلام
۵۷. حدیث آرزومندی (شرح دعای ندبه)
۵۸. زمزمه‌ی عاشقان (شرح دعای افتتاح)
۵۹. بحث‌هایی پیرامون زیارت ناحیه مقدسه
۶۰. صحیفه‌ی آفتاب (سخنان گهربار مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم)
۶۱. بررسی مقایسه‌ای بین حضرت مهدی و امام حسین علیه السلام



۶۲. دیدگاه شیخ مفید در مسئله حیوه (رساله فقهی)
۶۳. سروش رحمت (تحلیلی از خطبه شعبانیه پیامبراکرم صلوات الله علیه)
۶۴. سیمای رمضان در صحیفه سجادیه
۶۵. آیین روزه‌داری
۶۶. پیام رمضان
۶۷. اسرار لیالی قدر
۶۸. خط سرخ شهادت
۶۹. ارزش‌های اصیل و انسانی
۷۰. اذان، نغمه آسمانی
۷۱. آوای رحیل (نگرشی بر حالت احتضار)
۷۲. شهید ربذه، ابوذر غفاری
۷۳. مقدس اردبیلی سرخیل قدسی فقاقت
۷۴. چهار گفتار پیرامون نام‌آوران بیدار
۷۵. آیت الله مؤسس (مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری)
۷۶. یادى از شیخ المراجع، آیت الله العظمی حائری
۷۷. خورشید آسمان فقاقت (آیت الله العظمی گلپایگانی)
۷۸. مهاجرالی الله در خط جهاد و اجتهاد (حضرت آیت الله سید عبدالحسین لاری)
۷۹. سلاله پاکان (مرحوم آیت الله سید علی اکبر آیت اللهی جهرمی)
۸۰. اسوه صالحان (مرحوم آیت الله سید ابراهیم حق شناس جهرمی)



مجموعه کتاب های ره توشه:

آستان دوست

آیین محبت

باران فضیلت

برهان قاطع

پیروز حقیقی

جلوه وصال

حکایت آفتاب

خورشید شب

در دامان مهر

شرح بی نهایت

صحیفه ی صحت

نشانی بهشت